

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه گزارش های فقر چند بعدی

۲. فقر آموزشی در ایران

تهیه شده در:

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

معاونت رفاه اجتماعی

دفتر مطالعات رفاه اجتماعی

تابستان ۱۴۰۰

اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ،

خدا را خدا را در طبقه پایین اجتماع، از آنان که راه چاره ندارند،

مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالرِّمَى،

و از کارافتادگان و نیازمندان و دچارشدگان به زیان و سختی و صاحبان امراضی که از پا درآمده‌اند،

فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا.

در میان اینان کسانی هستند که روی سؤال و اظهار حاجت دارند و کسانی که عفت نفسشان مانع از سؤال است.

وَأُحْفَظُ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ.

بنابراین آنچه را که خداوند در مورد آنان از حفظ حقوق از تو خواسته به حفظ آن پرداز.

امام علی (ع) (فرازهایی از نامه ۵۳ نهج البلاغه)

۲. فقرآموزشی در ایران

معاونت رفاه اجتماعی

دفتر مطالعات رفاه اجتماعی

نویسنده: زینب پیروززاهی

ناظر علمی: سیدهادی موسوی نیک، زهراکاوایانی

ناظر اجرایی: مریم واحدی

صفحه آرا: پیمان مقدم

ویراستار: مریم یوسفی

واژه‌های کلیدی: فقرآموزشی، عوامل مؤثر بر فقرآموزشی، دسترسی تحصیلی، دستیابی

تحصیلی

تابستان ۱۴۰۰

تمام حقوق اثر برای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی محفوظ است.

نشانی: خیابان آزادی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت رفاه اجتماعی، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی

تلفن: ۶۴۴۹۲۸۴۳ فاکس: ۶۴۴۹۲۶۳۷

فهرست

خلاصه مدیریتی	۹
۱. مقدمه	۱۲
۲. فقر آموزشی	۱۳
۳. عوامل مؤثر بر فقر آموزشی و وضعیت ایران از منظر این عوامل	۲۰
۱-۳. عوامل مستقیم مربوط به خانوار	۲۱
۱-۱-۳. نرخ فقر پولی کودکان	۲۱
۲-۱-۳. نرخ عدم دسترسی تحصیلی والدین	۲۲
۳-۱-۳. شاخص کمبود منابع یادگیری در خانه	۲۴
۴-۱-۳. دوزبانه بودن کودک	۲۵
۵-۱-۳. شاخص کمبود فعالیت‌های عددی و سوادآموزی پیش از دبستان	۲۶
۶-۱-۳. نرخ پوشش پیش دبستان	۲۷
۷-۱-۳. وضعیت کلی عوامل مؤثر بر فقر در محیط خانوار در ایران	۲۸
۲-۳. عوامل مستقیم مربوط به مدرسه	۲۸
۱-۲-۳. نرخ اتصال به شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات	۲۹
۲-۲-۳. نسبت دانش‌آموز به رایانه	۳۰
۳-۲-۳. تراکم کلاس	۳۱
۴-۲-۳. شاخص تمرکز فقر	۳۲
۵-۲-۳. نسبت کلاس‌های چندپایه به کل کلاس‌های درس	۳۳
۶-۲-۳. نسبت دانش‌آموز به معلم	۳۴
۷-۲-۳. شاخص کارکنان تخصصی	۳۶
۸-۲-۳. شاخص حداقل تحصیلات رسمی معلمان	۳۶
۹-۲-۳. وضعیت عوامل مؤثر بر فقر در محیط مدرسه در ایران	۳۶

۳۸	۴. ضعف‌ها و خلأهای سنجش میزان و توزیع فقرآموزش
۳۸	۴-۱. ضعف محاسبه و گزارش‌دهی شاخص‌های موجود
۳۹	۴-۲. عدم اندازه‌گیری شاخص‌های مهم فقرآموزشی
۴۰	۵. جمع‌بندی و پیشنهادات
۴۴	منابع
۴۵	پیوست ۱- شاخص‌های سازمان‌ها و نهادهای داخلی و خارجی در بخش آموزش
۴۸	پیوست ۲- نقشه‌های استانی بر اساس شاخص‌های فقرآموزشی و عوامل مؤثر بر فقرآموزشی

فهرست جداول

۱۳	جدول ۱. شاخص‌های بررسی شده در زمینه فقرآموزشی
۱۸	جدول ۲. میانگین نمرات کشوری و بدترین و بهترین میانگین نمرات به تفکیک رشته در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸
۲۰	جدول ۳. شاخص‌های مهم در زمینه عوامل مؤثر بر فقرآموزشی
۳۳	جدول ۴. شاخص تمرکز فقر در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ درصد

فهرست نمودارها

- نمودار ۱. نرخ باسوادی به تفکیک استان (۱۳۹۸) - درصد ۱۴
- نمودار ۲. نرخ عدم برخورداری از مدرک ابتدایی در بین افراد ۱۲-۱۷ ساله (۱۳۹۸) - درصد ۱۵
- نمودار ۳. نرخ بازماندگی کودکان ۶-۱۱ ساله (سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸) - درصد ۱۶
- نمودار ۴. نرخ عدم برخورداری از مدرک متوسطه دوم افراد ۱۸-۲۴ سال (۱۳۹۸-۱۳۹۰) - درصد ۱۷
- نمودار ۵. نرخ عدم برخورداری از مدرک متوسطه دوم در بین افراد ۱۸-۲۴ ساله (۱۳۹۸) - درصد ۱۷
- نمودار ۶. میانگین نمرات آزمون‌های نهایی در رشته‌های نظری (سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸) ۱۸
- نمودار ۷. شاخص کم بهره‌مندی، ریاضیات پایه چهارم (۲۰۱۹) - درصد ۱۹
- نمودار ۸. نرخ فقر کودکان (۱۳۹۹) - درصد ۲۲
- نمودار ۹. نرخ عدم دسترسی تحصیلی والدین ۱۳۹۰-۱۳۹۸ - درصد ۲۳
- نمودار ۱۰. نرخ عدم دسترسی تحصیلی والدین (۱۳۹۸) - درصد ۲۴
- نمودار ۱۱. شاخص کمبود منابع یادگیری در خانه (۲۰۱۹) - درصد ۲۵
- نمودار ۱۲. شاخص دوزبانه بودن کودک دانش‌آموزان کلاس چهارم (۲۰۱۹) - درصد ۲۶
- نمودار ۱۳. شاخص فعالیت‌های سوادآموزی پیش از دبستان دانش‌آموزان کلاس چهارم (۲۰۱۹) - درصد ۲۷
- نمودار ۱۴. نرخ پوشش پیش دبستان (۱۳۹۸) - درصد ۲۸
- نمودار ۱۵. نرخ اتصال به شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (۱۳۹۸) - درصد ۲۹
- نمودار ۱۶. نسبت مدارس مجهز به کارگاه رایانه (۱۳۹۸) - درصد ۳۰
- نمودار ۱۷. شاخص تراکم کلاس در دو مقطع ابتدایی و متوسطه (۱۳۹۸) - نفر ۳۱
- نمودار ۱۸. تراکم کلاس واقعی (سال ۱۳۹۸) و استاندارد برای تمام مقاطع به تفکیک شهری/روستایی - نفر ۳۲
- نمودار ۱۹. نسبت کلاس‌های چندپایه به کل کلاس‌های درس دایر (۱۳۹۸) - درصد ۳۴
- نمودار ۲۰. نسبت دانش‌آموز به معلم (۱۳۹۸) - نفر ۳۵
- نمودار ۲۱. شاخص نسبت دانش‌آموز به معلم در ایران، جهان و اتحادیه اروپا (۲۰۱۶) - نفر ۳۵

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱. رتبه‌بندی استان‌ها از منظر شاخص‌های فقر آموزشی و عوامل مؤثر بر آن ۴۰
- شکل ۲: نرخ باسوادی افراد ۱۵ سال و بالاتر (۱۳۹۸) ۴۸
- شکل ۳. نرخ بازماندگی کودکان ۶-۱۱ سال (۱۳۹۷-۱۳۹۸) ۴۸
- شکل ۴. نرخ عدم برخورداری از مدرک ابتدایی افراد ۱۲-۱۷ سال (۱۳۹۸) ۴۹
- شکل ۵. نرخ عدم برخورداری از مدرک متوسطه دوم افراد ۱۸-۲۴ سال (۱۳۹۸) ۴۹
- شکل ۶. میانگین نمرات آزمون‌های نهایی (سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸) ۵۰
- شکل ۷. نرخ فقر کودکان ۱۳۹۹ (شاخص فقر پایگاه) ۵۰
- شکل ۸. نرخ فقر کودکان ۱۳۹۸ (شاخص فقر مرکز پژوهش‌های مجلس) ۵۱
- شکل ۹. شاخص عدم دسترسی تحصیلی والدین (۱۳۹۸) ۵۱
- شکل ۱۰. نرخ پوشش پیش دبستان (۱۳۹۸) ۵۲
- شکل ۱۱. نرخ اتصال به شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (۱۳۹۸) ۵۲
- شکل ۱۲. نسبت مدارس مجهز به کارگاه رایانه (۱۳۹۸) ۵۳
- شکل ۱۳. شاخص تراکم کلاس مقطع ابتدایی (۱۳۹۸) - نفر ۵۳
- شکل ۱۴. شاخص تراکم کلاس مقطع متوسطه اول (۱۳۹۸) - نفر ۵۴
- شکل ۱۵. نسبت کلاس‌های چندپایه (۱۳۹۸) ۵۴
- شکل ۱۶. نسبت دانش‌آموز به معلم (۱۳۹۸) - نفر ۵۵

خلاصه مدیریتی

ادبیات متأخر از فقر، محرومیت از آموزش (و به طور کلی آموزش با کیفیت) را به خودی خود نشان دهنده فقر می‌داند؛ ضمن آن که آموزش می‌تواند با اثرگذاری بر وضعیت اشتغال افراد بر فقر درآمدی آن‌ها نیز مؤثر باشد. از این رو، وضعیت فقر آموزشی نیاز به مداخله سیاستگذار دارد تا از این طریق هم فقر درآمدی شهروندان را تخفیف دهد و هم یک نیاز انسانی را تأمین کند. پرسش اصلی در این پژوهش این است که «منظور از فقر آموزشی چیست؟ کدام یک از جنبه‌های خاص استاندارد دسترسی تحصیلی به عنوان یک نقطه مرجع برای اندازه‌گیری فقر باید لحاظ شوند؟ چه عواملی می‌توانند توضیح دهنده فقر آموزشی باشند؟» این مطالعه به بررسی فقر آموزشی در ایران و علل ایجاد کننده آن می‌پردازد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که هرچند سوادآموزی در ایران روند رو به رشدی داشته، اما از کیفیت مناسبی برخوردار نیست، به طوری که دانش‌آموزان ایرانی در آزمون‌های بین‌المللی در رده‌های پایین در بین کشورهای مختلف دنیا قرار دارند. سطح پایین استانداردهای مدارس و کیفیت معلمان در کنار عدم توجه کافی به آموزش پیش از دبستان و مناسب نبودن محیط خانه برای آموزش کودکان از علل اصلی سطح پایین کیفیت آموزش در ایران است. سطح پایین تحصیلات والدین و محیط نامناسب خانه برای آموزش نشان می‌دهد که اتکا بر آموزش از راه دور به شدت می‌تواند بر کیفیت آموزش اثرگذار باشد.

کمیسیون اروپا در سال (۲۰۱۵) فقر آموزشی را به معنی عدم دستیابی در صدی از جمعیت جوان به حداقل استانداردها در زمینه دسترسی به آموزش^۱ و بهره‌مندی از آموزش^۲ تعریف کرده است. برای سنجش هر یک از این دو، شاخص‌هایی تعریف می‌شود:

الف) دسترسی به آموزش: سطح سواد فارغ از این که چه کیفیتی دارد، میزان دسترسی به آموزش را سنجش می‌کند. در سطوح اولیه نرخ باسوادی و آموزش ابتدایی به عنوان شاخصی برای دسترسی به آموزش در نظر گرفته می‌شود و با عبور کشورها از سطوح آموزش اولیه، سطوح بالاتر به عنوان آستانه دسترسی به آموزش تعریف می‌شود. با وجود بهبود وضعیت دسترسی به آموزش در ایران و افزایش نرخ باسوادی و دسترسی به آموزش ابتدایی همچنان در حدود ۳۰ درصد از جمعیت ۱۸ تا ۲۴ سال تحصیلات متوسطه دوم ندارند که این میزان بسیار بالاتر از متوسط کشورهای اروپایی (۱۰/۳ درصد) است.

ب) بهره‌مندی از آموزش: پس از دسترسی به آموزش، بهره‌مندی از آموزش مطرح می‌شود که در آن کیفیت آموزش‌های دریافتی مهم است؛ یعنی صرف داشتن سواد ابتدایی یا متوسطه کافی نبوده و باید کیفیت آموزش دریافتی نیز سنجش شود. یکی از شاخص‌های قابل اتکا برای مقایسه استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین رصد تغییر کیفیت آموزش و یادگیری در طی سال‌ها، آزمون‌های هماهنگ کشوری در پایان مقطع متوسطه دوم است. میانگین نمرات آزمون نهایی در تمامی رشته‌های نظری در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸، ۱۲/۷ است. داده‌های استانی اختلاف ۳/۶ نمره‌ای را بین شهر تهران (با بهترین میانگین

1 - Educational Attainment

2 - Educational Achievement

نمره: ۱۴/۴۹) و استان کهگیلویه و بویراحمد (با بدترین میانگین نمره: ۱۰/۹) نشان می‌دهند.

متناظر با شاخص‌های بین‌المللی هم می‌توان از نتایج آزمون بین‌المللی تیمز و پرلز برای سنجش کیفیت تحصیلی و مقایسه بین‌کشوری استفاده کرد. نتایج آزمون تیمز و پرلز نشان می‌دهد که ایران در مقایسه با کشورهای دیگر که در این آزمون شرکت کردند، وضعیت نامناسبی داشته و دانش‌آموزان ایرانی از کیفیت مناسب آموزش و یادگیری برخوردار نیستند. جدیدترین آزمون استاندارد این مرکز در دو درس ریاضیات و علوم (تیمز) در دو پایه چهارم و هشتم در سال ۲۰۱۹ در ایران برگزار شد. مطابق با داده‌های درس ریاضیات پایه چهارم (و همین‌طور پایه هشتم)، ۳۲ درصد از دانش‌آموزان نمره‌ای کمتر از ۴۰۰ (کمترین سطح صلاحیت^۳ به عنوان آستانه فقر آموزش) دریافت کردند. این شاخص در سطح بین‌المللی ۸ درصد است و ۵۰ کشور از ۵۸ کشور سنجش شده، از منظر این شاخص وضعیت بهتری نسبت به ایران دارند.

به این ترتیب، در زمینه سواد و دسترسی به آموزش پایه (ابتدایی) نظام آموزشی در ایران عملکرد نسبتاً مطلوبی از خود نشان داده است، اما در مورد آموزش متوسطه و به خصوص در زمینه کیفیت تحصیلی (دو زمینه مهم در تعریف فقر آموزشی توسط کمیسیون اروپا) شاخص‌ها وضعیت نامطلوبی را نشان می‌دهند.

در بررسی عواملی که منجر به فقر آموزشی می‌شوند، می‌توان از دو دسته «عوامل مربوط به خانه» و «عوامل مربوط به مدرسه» نام برد.

مجموعه شاخص‌های مربوط به خانواده و محیط خانه کودک نشان می‌دهد که درصد بالایی از کودکان ما در خانوارهایی زندگی می‌کنند که دچار فقر پولی (۳۸ درصد از کودکان زیر خط فقر) هستند؛ داده‌های هزینه-درآمد خانوار سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد از والدین تحصیلات متوسطه دوم ندارند که این عدد برای سیستان و بلوچستان در حدود ۷۰ درصد است؛ داده‌های تیمز و پرلز به ما می‌گوید که حدود ۲۵ درصد از دانش‌آموزان پایه چهارم در سال ۲۰۱۹ با کمبود منابع یادگیری در خانه مواجه هستند (رتبه ۶ از بین ۵۴ کشور). مجموعه این عوامل می‌تواند بر کیفیت یادگیری و دسترسی آموزشی کودکان بسیار تأثیرگذار باشد. ضعف امکانات یادگیری در خانه، احتمال بالای ناکارایی طرح‌های آموزش از راه دور و متکی بر حمایت والدین - به خصوص در استان‌های محروم - را در پی دارد. از طرفی، شرایط نامناسب اقتصادی-اجتماعی خانوار برای تحصیل کودکان و وضعیت نامطلوب آموزش‌های پیش از دبستان نشان می‌دهد که نرخ بالاتر از متوسط جهانی پوشش آموزش پیش‌دبستانی در ایران، نباید برای نظام آموزشی راضی‌کننده باشد و با توجه به اهمیت آموزش کودک در سنین ۳-۶ سال، لازم است تا تحصیل در این مقطع اجباری باشد.

مجموعه‌ی شاخص‌های مرتبط با مدرسه نشان می‌دهد که در کنار عوامل خارج از مدرسه، امکانات مناسب در مدرسه می‌تواند برای کودکان دچار فقر مالی و فاقد منابع یادگیری، نقش جبران‌کننده و یاری‌دهنده ایفا کند؛ اما در شاخص‌های مربوط به مدرسه نیز ایران وضعیت مناسبی در مقیاس بین‌المللی ندارد. بر اساس داده‌های آزمون تیمز، تنها ۲۶ درصد از دانش‌آموزان پایه هشتم تحت تعلیم معلمی با تحصیلات بالاتر از کارشناسی هستند که این شاخص در سطح بین‌المللی رقم ۳۵ درصد را نشان می‌دهد و ایران رتبه ۲۲ از بین ۳۹ کشور را داراست؛ نسبت دانش‌آموز به معلم در ایران در دو مقطع ابتدایی

3 - Lowest competence level



و متوسطه اول بسیار بالاتر از متوسط جهانی است؛ تراکم کلاس در دو مقطع ابتدایی و متوسطه اول بالاتر از متوسط کشورهای OECD است.

شاخص تمرکز فقر نیز یکی از شاخص‌های مهمی است که در بررسی عوامل مؤثر بر فقر آموزشی ناشی از مدرسه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ این شاخص نشان‌دهنده درصدی از دانش‌آموزان است که در مدارس با تمرکز فقر بالا (اگر بیش از ۷۵ درصد از دانش‌آموزان مدرسه در خانوارهای ۵ دهک کم درآمد زندگی کنند)، تحصیل می‌کنند. این شاخص با استفاده از داده‌های پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان تاکنون برای سه شهر تبریز، مشهد و هرسین محاسبه شده و براساس آن به ترتیب ۱۳/۲، ۹/۲ و ۳۲ درصد از دانش‌آموزان در این شهرها در مدارس با تمرکز فقر بالا زندگی می‌کنند.

با توجه به شاخص‌های مورد اشاره و شاخص‌های دیگری که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت (نرخ اتصال به شبکه ملی، نسبت کلاس‌های چندپایه، نسبت مدارس دارای کارگاه رایانه و نسبت کارکنان تخصصی) می‌توان گفت بخشی از کیفیت پایین عملکرد دانش‌آموزان در آزمون‌های بین‌المللی را مدرسه و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن می‌تواند توضیح دهد. به این ترتیب، در مجموع، نظام آموزشی در ایران در سطح دسترسی به سطوح بالای آموزش اجباری و به خصوص در سطح بهره‌مندی وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهد. مهمترین عوامل پایین بودن کیفیت آموزش در ایران را در دو دسته کلی عوامل مرتبط با خانه و مدرسه بررسی کردیم. شاخص‌هایی که مقادیر جهانی آنها در دسترس بود، نشان از ضعف فاحش ایران نسبت به سایر کشورها داشت. بررسی استانی شاخص‌ها نیز نشان داد که استان سیستان و بلوچستان و مازندران به ترتیب بدترین (۱۲ شاخص از ۱۴ شاخص) و بهترین (یک شاخص از ۱۴ شاخص) وضعیت را از منظر شاخص‌های مرتبط با فقر آموزشی دارند. با توجه وضعیت شاخص‌ها در کشور لازم است آموزش‌های پیش از دبستان در تمام کشور اجباری شده و برای مناطقی با کمبود منابع یادگیری در خانه، جایگزین مناسب‌تری برای آموزش‌های مجازی و از راه دور ارائه و به امکانات آموزش‌های حضوری توجه بیشتری مبذول شود.

اما مسئله اصلی برای سیاست‌گذاری مناسب برای هر منطقه و استان، در ابتدای امر شناسایی فقر و نوع فقر آموزشی آن است. در این زمینه در این بررسی دریافتیم که ضعف‌های متولی نظام آموزشی در رصد و گزارش دهی فقر آموزشی به دو دسته کلی قابل تفکیک است: اول کمبودهایی که متوجه شاخص‌هایی است که در حال حاضر گزارش می‌شوند؛ در مورد برخی از شاخص‌ها - مانند «نسبت کارکنان تخصصی» و یا «نسبت مدارس چندپایه» - مقادیر شهرستانی (یا بعضاً استانی) توسط دستگاه متولی گزارش نمی‌شود. همچنین برخی از شاخص‌ها - علی‌رغم وجود داده‌های مورد نیازشان - در هیچ سطحی گزارش نمی‌شوند مانند شاخص بسیار مهم شعاع دسترسی. دوم، شاخص‌هایی که علی‌رغم اهمیت در پایش‌های جهانی فقر آموزشی و اهمیت تأثیر آن‌ها در فقر آموزشی به طور کلی مورد غفلت نظام آموزشی قرار می‌گیرند، مانند شاخص کم بهره‌مندی؛ بنابراین با توجه به وضعیت کشور از منظر شناسایی فقر آموزشی، مهمترین اقدام، بازنگری در شاخص‌های مرتبط با عملکرد استاد آموزش و پرورش و سازمان توسعه و نوسازی مدارس با تأکید بر شاخص‌های ذیل مسئله فقر آموزشی و جمع‌آوری و گزارش شاخص‌ها تا پایین‌ترین سطح (دانش‌آموز و مدرسه) است.

۱. مقدمه

فقر به طور متعارف از نظر فقر درآمدی - یعنی تعداد افراد زیر خط فقر - تعریف و به روش های مختلف - عمدتاً از نظر ناکافی بودن درآمد برای تهیه حداقل سطح کالری - اندازه گیری می شود. در ادبیات، شاخص هایی ساخته شده است که به طور گسترده با این پدیده ارتباط دارند. بسیاری از محققان همچنین محدودیت های فقر درآمدی را به عنوان معیار اندازه گیری پدیده پیچیده فقر برجسته کرده اند (Tilak, 2018). همان طور که بانک جهانی (۱۹۹۴: ۹) نیز به درستی این موضوع را به رسمیت شناخته است: «فقر نه تنها [شامل] مسئله کم درآمدی است، بلکه یک مشکل چندبعدی است و شامل دسترسی کم به فرصت های توسعه سرمایه انسانی و آموزش است». به عبارتی آموزش یکی از فرصت های مهم است که محرومیت از آن به خودی خود نشان دهنده فقر است. در این معنا، محرومیت آموزشی یا فقر آموزش یک جز جدایی ناپذیر از فقر انسانی است (همان منبع).

بنابراین، دسترسی به آموزش نه تنها حق آحاد جامعه و یکی از ابعاد اصلی رفاه اجتماعی است، بلکه خود نیز عامل نابرابری در دیگر حوزه های اجتماعی از جمله بهداشت، اشتغال، منزلت اجتماعی و درآمد اقتصادی است. به همین دلیل هرگونه برنامه ریزی برای رفع فقر و نابرابری بدون توجه به دسترسی آحاد ملت به آموزش با کیفیت عقیم و غیرممکن است. با توجه به دلایل پیش گفته، لازم است شاخص های فقر آموزشی به صورت سالانه و منطقه ای سنجیده و ارزیابی شوند تا مناطق کمتر برخوردار شناسایی شده و در زیر چتر برنامه های حمایتی رفع فقر قرار گیرند.

براین اساس، مطالعه حاضر به این شکل صورت بندی شده است که پس از ارائه یک تعریف از مفهوم فقر آموزشی، مهم ترین شاخص های معیار در بحث فقر آموزشی و عوامل مؤثر بر آن را دسته بندی کرده، وضعیت کشور (واستان ها در مواردی که آمارهای آن موجود است) را از منظر هر شاخص گزارش و در پایان خلاصه شناسایی کشور در محاسبات مربوط به فقر آموزشی را بیان کرده و متناسب با آن پیشنهادات لازم را ارائه می کند.

۲. فقر آموزشی

فقر آموزشی - مانند هر تعریفی از ابعاد دیگر فقر - به عنوان سطحی از آموزش درک می‌شود که زیر سطح آستانه است. رویکردهای مختلف برای استخراج خطوط فقر و انتخاب‌های مختلف برای تعریف جمعیت مرجع و روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری فقر آموزشی وجود دارد. (Lohmann & Florian:2014) به عبارتی، نقطه افتراق تعاریف و بررسی‌های مختلف از فقر آموزشی در این سه رکن اندازه‌گیری فقر آموزشی نهفته‌اند؛ اما قبل از بحث بر سر این ابعاد باید برداشت مورد قبول خود را از مفهوم آموزش ارائه دهیم. چه آموزش را به عنوان یک منبع و سرمایه در نظر بگیریم چه به عنوان جنبه جداگانه‌ای از شرایط زندگی، فقر آموزشی باید هر دو جنبه نفس دسترسی به آموزش در درجه اول و کیفیت آموزش در درجه دوم را شامل باشد. این برداشت از آموزش ما را به سمت دو دسته کلی از شاخص‌ها در زمینه دسترسی و دستیابی رهنمون می‌کند؛ برداشتی از آموزش که در تعریف کمیسیون اروپا از فقر آموزشی مورد توجه قرار گرفته است.

اینک این سؤال مطرح می‌شود که چه شاخص‌هایی در هر دسته کلی باید معیار قرار گیرند؟ به طور کلی شاخص‌هایی که از منظر فقر آموزشی در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته‌اند در جدول ۱ آورده شده‌اند که در ادامه به چرایی توجه به هر یک و جزئیات آن پرداخته خواهد شد.

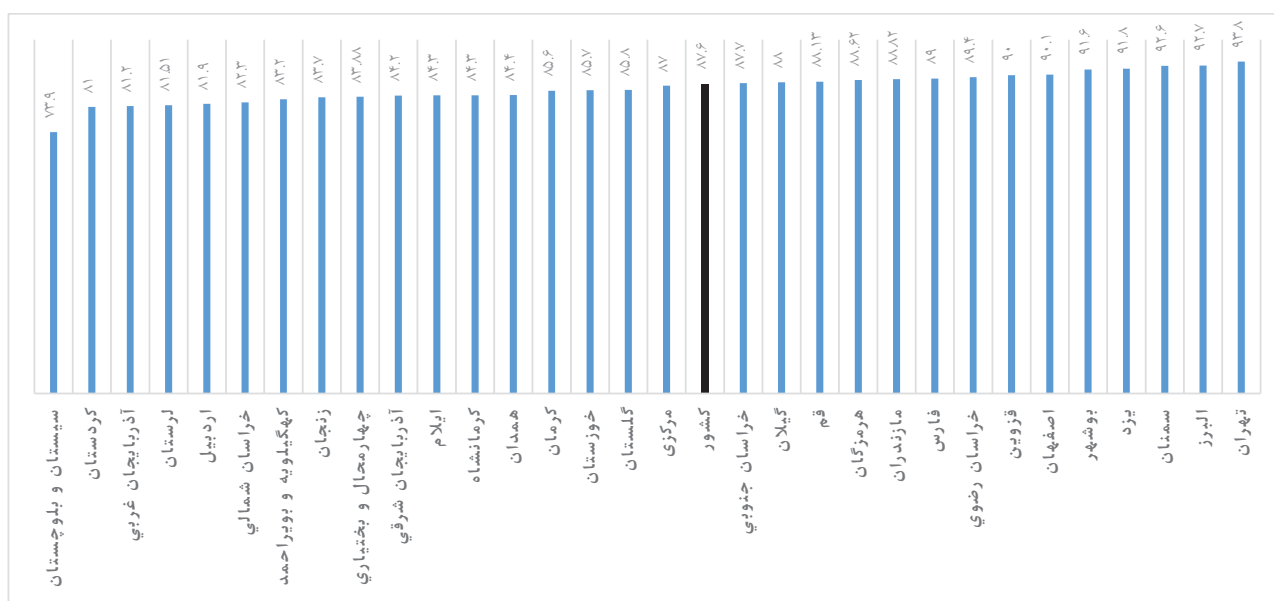
جدول ۱. شاخص‌های بررسی شده در زمینه فقر آموزشی

دسته بندی کلی	شاخص‌ها	دوره انتشار	وضعیت دسترسی به مقدار شاخص
در زمینه دسترسی	نرخ باسوادی	سالانه	سازمان اداری-استخدامی به تفکیک استان منتشر می‌کند.
	نرخ بازماندگی	سالانه	معاونت رفاه به تفکیک شهرستان منتشر می‌کند.
	عدم برخورداری از مدرک تحصیلی ابتدایی افراد ۱۲-۱۷ ساله	سالانه	با استفاده از داده‌های طرح نمونه‌گیری هزینه-درآمد خانوار به تفکیک استان محاسبه شده است.
	عدم برخورداری از مدرک تحصیلی متوسطه افراد ۱۸-۲۴ ساله	سالانه	با استفاده از داده‌های طرح نمونه‌گیری هزینه-درآمد خانوار به تفکیک استان محاسبه شده است.
در زمینه دستیابی	میانگین نمرات آزمون نهایی	سالانه	وزارت آموزش و پرورش به تفکیک استان منتشر می‌کند.
	کم‌بهره‌مندی تحصیلی	هر چهار سال	از خروجی مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز در سطح ملی محاسبه شده است.

در زمینه دسترسی، شاخص‌هایی مانند نرخ باسوادی، سال‌های تحصیل و مدرک تحصیلی مطرح شده‌اند. سال‌های تحصیل از یک طرف به دلیل این که استاندارد بین‌المللی برای آن تعریف نشده است و از طرف دیگر به خاطر آن که در زمینه مشارکت در بازار کار و قوانین کار بیش از آن که سال‌های تحصیل مهم باشد، مدرک تحصیلی مهم است، شاخص مناسبی به نظر نمی‌رسد و بنابراین ما از بررسی آن چشم‌پوشی می‌کنیم.

در تعیین آستانه برای هر یک از شاخص‌ها، در مورد فقر آموزشی نیز همچون فقر درآمدی، دو دیدگاه فقر مطلق و نسبی آموزش وجود دارد. لیبفرد^۴ و آلمندینگر^۵ (۲۰۰۳) در مورد فقر مطلق آموزشی از منظر مقایسه‌ای بین‌المللی بحث می‌کنند و بی‌سوادان را فقیر آموزشی تعریف می‌کنند. این شاخص شاید در کشورهای که درصد بالایی از جمعیت که اصلاً تحصیلات رسمی کسب نکرده‌اند، مفید باشد اما در کشورهای که درصد بالایی از مردم تحصیلات رسمی دارند و باسواد هستند، کاربردی به نظر نمی‌رسد، ضمن آنکه سواد عملکردی و دارا بودن مدرک تحصیلی برای شمول اجتماعی و مشارکت در بازار کار در بسیاری از کشورها از درجه اهمیت بسیار بالاتری برخوردار است. در ایران و مطابق با آمار شاخص‌های عملکردی وزارت آموزش و پرورش در پایگاه سازمان اداری استخدامی (۱۳۹۸) نرخ باسوادی افراد ۱۵ سال و بالاتر ۸۷/۶ درصد است که هرچند با میانگین کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا (۹۶ درصد در سال ۲۰۱۹) فاصله دارد، اما در حدود متوسط جهانی آن (۸۶/۴۸ درصد در سال ۲۰۱۹) قرار دارد. نمودار ۱ مقدار این نرخ را به تفکیک استانی نشان می‌دهد.

نمودار ۱. نرخ باسوادی به تفکیک استان (۱۳۹۸) - درصد



منبع: سازمان اداری-استخدامی

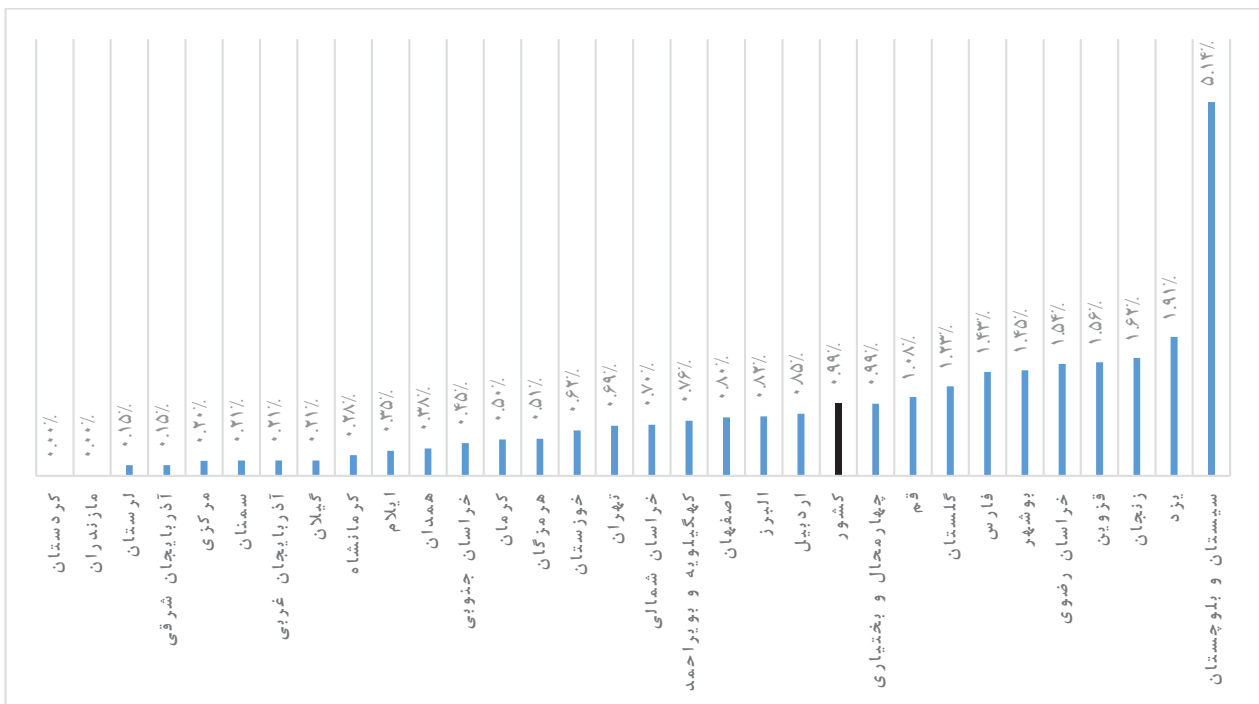
بنابراین، تمرکز بر فقر نسبی و آستانه‌ای بالاتر برای فقر دسترسی آموزشی مناسب‌تر به نظر می‌رسد. در این زمینه می‌توان پیشنهاد کرد که از خط فقر مدرک تحصیلی ابتدایی استفاده شود، اما این حد آستانه نیز آستانه مناسبی به نظر نمی‌رسد؛ از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ مجلس شورای اسلامی مستفاد می‌شود که آموزش اجباری مدنظر قانون‌گذار

4-Leibfried

5-Allmendinger

پوشش تحصیلی کامل اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه است.^۶ از طرفی بررسی نرخ عدم برخورداری از مدرک ابتدایی در بین افراد ۱۲-۱۷ سال نیز نشان می‌دهد که وضعیت کشور در این شاخص نیز رضایی‌کننده است، چراکه مطابق با داده‌های هزینه-درآمد خانوار (۱۳۹۸)، تنها ۰٫۹۹ درصد از کودکان ۱۲-۱۷ ساله فاقد مدرک ابتدایی هستند و البته استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد، زنجان، قزوین و خراسان رضوی با نرخ‌های بالاتر از ۱/۵ درصد بدترین وضعیت را دارا هستند (نمودار ۲).

نمودار ۲. نرخ عدم برخورداری از مدرک ابتدایی در بین افراد ۱۲-۱۷ ساله (۱۳۹۸) - درصد



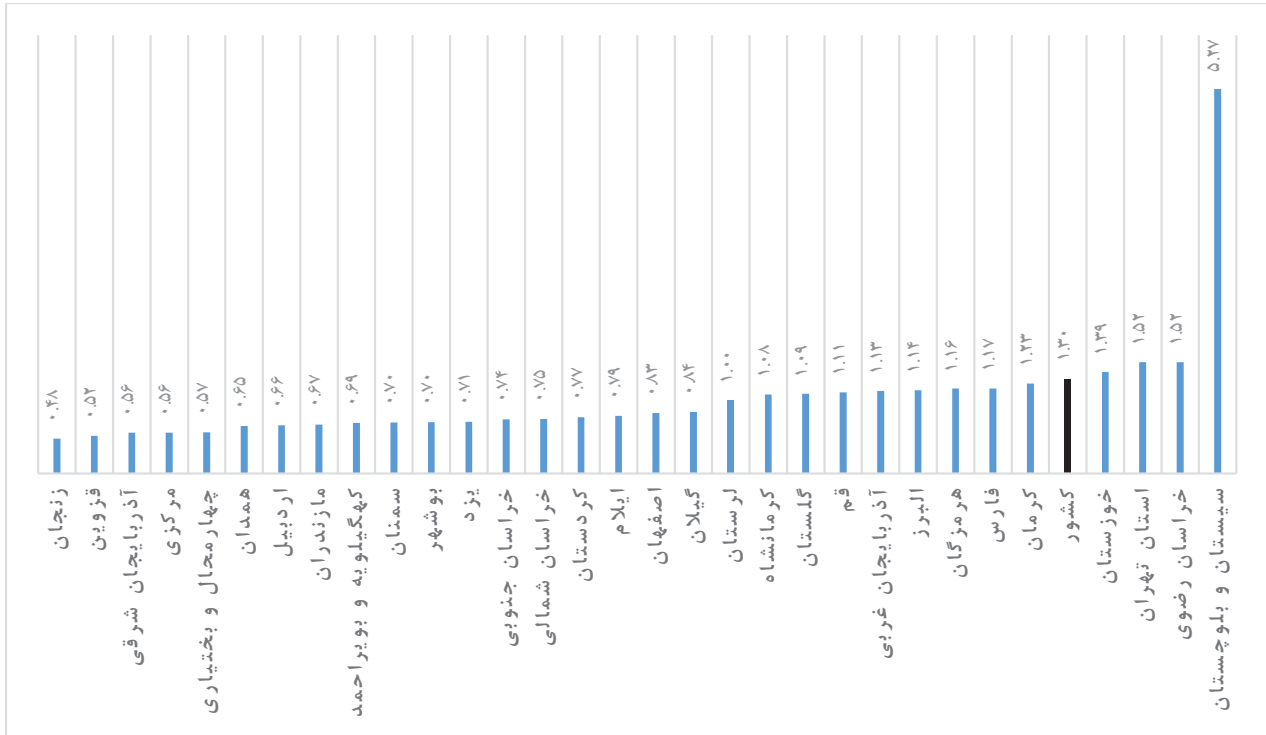
منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از داده‌های هزینه-درآمد خانوار

همچنین نرخ بازماندگی از تحصیل (که به معنای عدم ثبت نام کودک در مدرسه است) برای کودکان ۶-۱۱ سال برای سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ نرخ ۱/۳ درصدی را نشان می‌دهد که مقداری بسیار کمتر از نرخ ۸/۰۲ درصدی متوسط جهان و نرخ ۴ درصدی «کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط»^۷ در سال ۲۰۱۹ است. مطابق با نمودار ۳، استان سیستان و بلوچستان نرخ بازماندگی بالاتر از کشورهای با درآمد متوسط رو بالا دارد.

۶- قانون‌گذار مصوب کرده است که وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادهای مورد اشاره در متن قانون، وظیفه شناسایی و بازگرداندن کودک به مدرسه را دارند. همچنین مطابق ماده ۷ این قانون چنانچه هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت طفل را بر عهده دارند، از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع کنند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند، به انجام تکلیف یادشده و جزای نقدی محکوم می‌شوند.

۷- در گروه‌بندی بانک جهانی ایران در حال حاضر در بین گروه کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط قرار دارد. از این رو مقایسه داده‌های ایران تا حد ممکن با متوسط کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط صورت می‌گیرد.

نمودار ۳. نرخ بازماندگی کودکان ۶-۱۱ ساله (سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸) - درصد

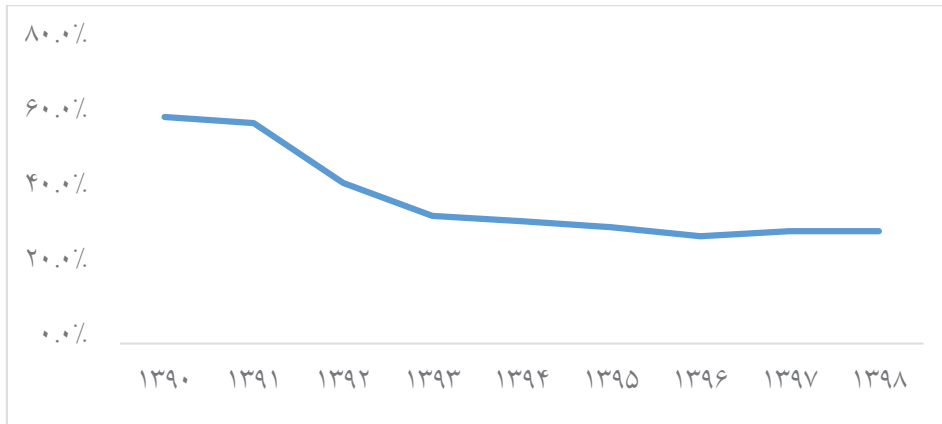


منبع: معاونت رفاه

بنابراین، پیشنهاد می‌شود که - همچون کمیسیون اروپا - حد آستانه شاخص دسترسی را تحصیلات متوسطه در نظر بگیریم. از منظر این شاخص، میزان دسترسی ضعیف‌تر است و علی‌رغم روند کاهشی آن در طی سال‌های اخیر (نمودار ۴)، مطابق با داده‌های هزینه-درآمد خانوار ۱۳۹۸، ۲۹/۹ درصد از جمعیت ۱۸-۲۴ ساله ایران (بسیار بالاتر از نرخ ۱۰/۳ درصد اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹) فاقد مدرک تحصیلی متوسطه دوم هستند. داده‌های استانی این شاخص نشان می‌دهد استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کردستان و گلستان بدترین وضعیت و استان‌های مازندران، سمنان و تهران بهترین وضعیت^۸ را از نظر برخورداری از مدرک متوسطه دوم در بین افراد ۱۸-۲۴ دارا هستند.

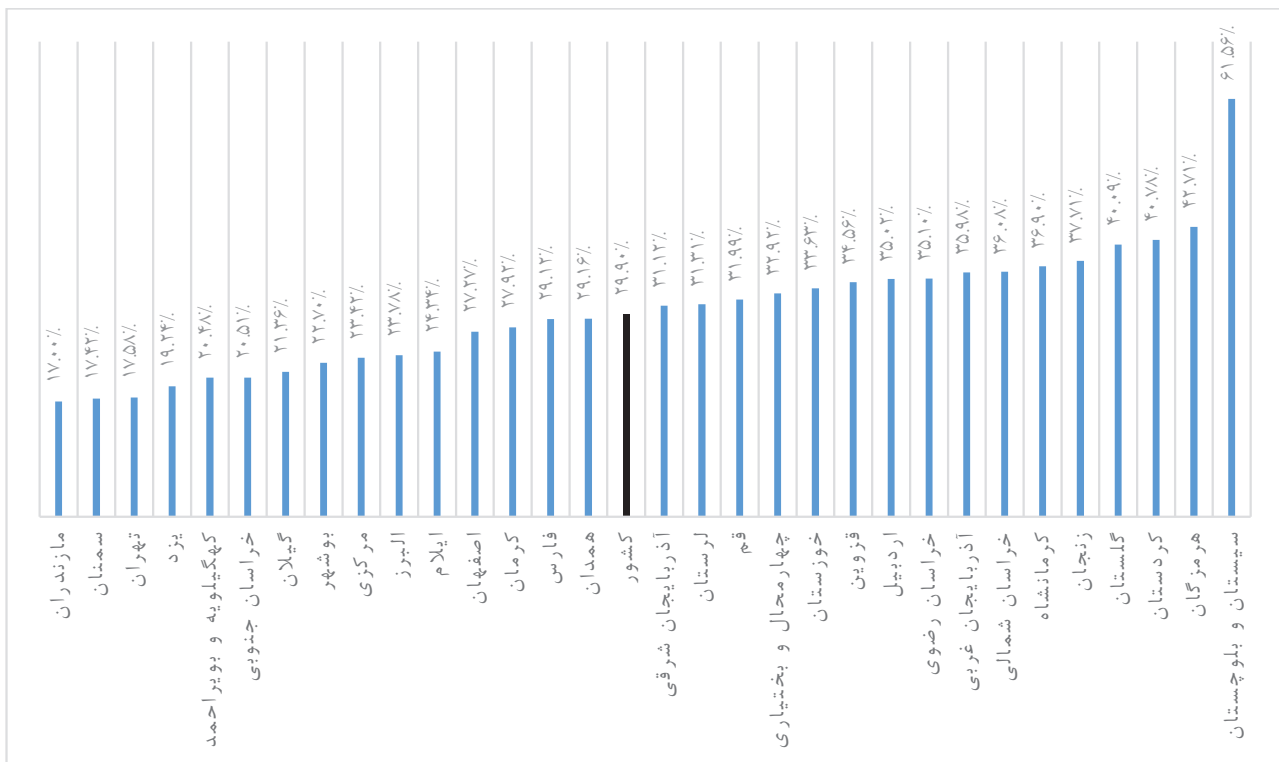
۸- نرخ عدم برخورداری این استان‌ها هم‌سطح با کمترین نرخ‌های کشورهای اروپایی (به جز ترکیه) است.

نمودار ۴. نرخ عدم برخورداری از مدرک متوسطه دوم افراد ۱۸-۲۴ سال (۱۳۹۰-۱۳۹۸) - درصد



منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از داده‌های هزینه-درآمد خانوار

نمودار ۵. نرخ عدم برخورداری از مدرک متوسطه دوم در بین افراد ۱۸-۲۴ ساله (۱۳۹۸) - درصد



منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از داده‌های هزینه-درآمد خانوار

در مورد جنبه بسیار مهم‌تر فقر آموزشی، یعنی دستیابی تحصیلی (کیفیت آموزش)، کمترین سطح صلاحیت در آزمون‌های استاندارد به عنوان آستانه فقر آموزش در نظر گرفته می‌شود. کمیسیون اروپا در این شاخص، سطح دوازدهم سطح آزمون PISA که

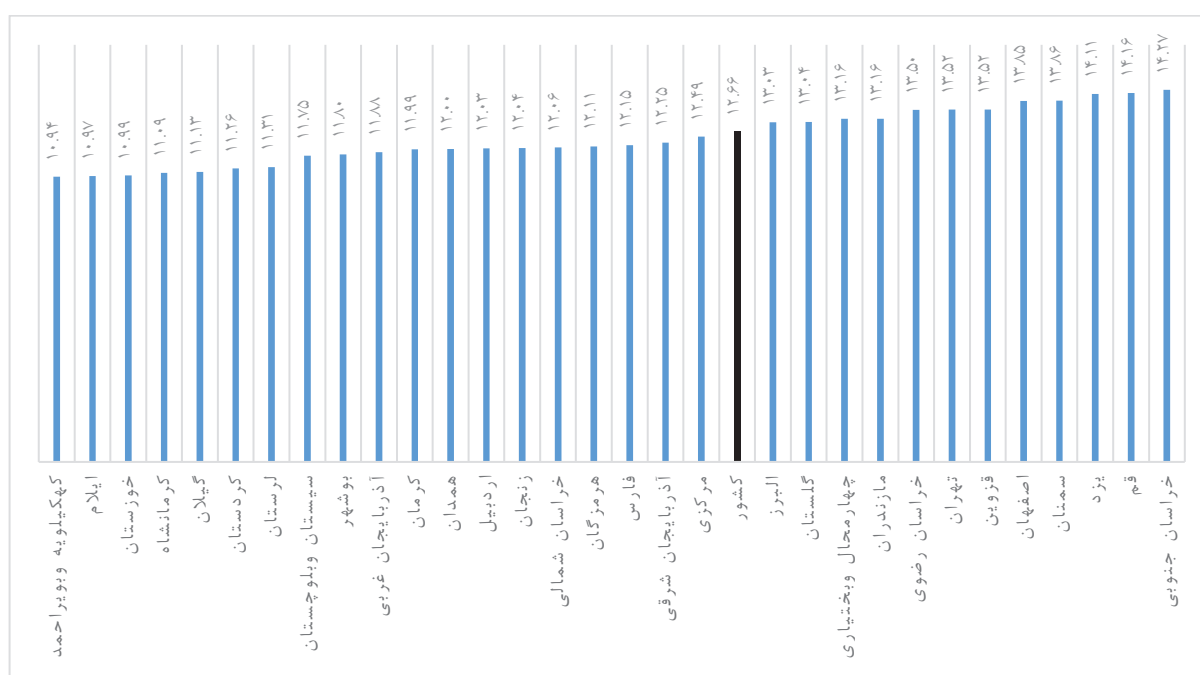
در کشورهای OECD برگزار می شود را به عنوان آستانه در نظر گرفته است. آزمون PISA البته در ایران برگزار نمی شود؛ آموزش و پرورش نیز مکانیسم مشابهی جز امتحانات هماهنگ نهایی سال دوازدهم برای ارزیابی استاندارد کیفیت یادگیری و آموزش اجرا نمی کند که آن هم تنها برای مقایسه وضعیت استان ها با یکدیگر و مشاهده تغییرات در طول سال ها می تواند مفید باشد. جدول زیر میانگین نمرات در سطح کشور و همچنین بدترین و بهترین میانگین نمرات را به تفکیک رشته نشان می دهد. میانگین کلی نمرات نیز نشان می دهد به طور کلی، استان کهگیلویه و بویراحمد بدترین وضعیت را از منظر این شاخص دارد (نمودار ۶).

جدول ۲. میانگین نمرات کشوری و بدترین و بهترین میانگین نمرات به تفکیک رشته در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸

معارف	ریاضی-فیزیک	علوم تجربی	علوم انسانی	میانگین کشوری
۱۲,۸۵	۱۳,۲۸	۱۳,۷۷	۱۰,۷۵	
قم (۱۶,۲۲) شهر تهران (۱۵,۹۸) سمنان (۱۵,۴۴)	یزد (۱۵,۰۵) خراسان جنوبی (۱۴,۸۶) شهر تهران (۱۴,۵۶)	خراسان جنوبی (۱۵,۵۱) یزد (۱۵,۲۴) اصفهان (۱۵,۰۶)	خراسان جنوبی (۱۳,۶۴) یزد (۱۲,۸۷) شهر تهران (۱۲,۵۷)	استان با بهترین میانگین (میانگین نمره)
گیلان (۸,۵۷) ایلام (۹,۴) کردستان (۱۰,۰۷)	کهگیلویه و بویراحمد (۹,۵۳) آذربایجان غربی (۱۱,۲۳) کردستان (۱۱,۳۹)	سیستان و بلوچستان (۱۲,۰۷) خوزستان (۱۲,۶) آذربایجان غربی (۱۲,۷۸)	سیستان و بلوچستان (۸,۷۱) لرستان (۸,۹۵) خوزستان (۹,۰۴)	استان با بدترین میانگین (میانگین نمره)

منبع: وزارت آموزش و پرورش

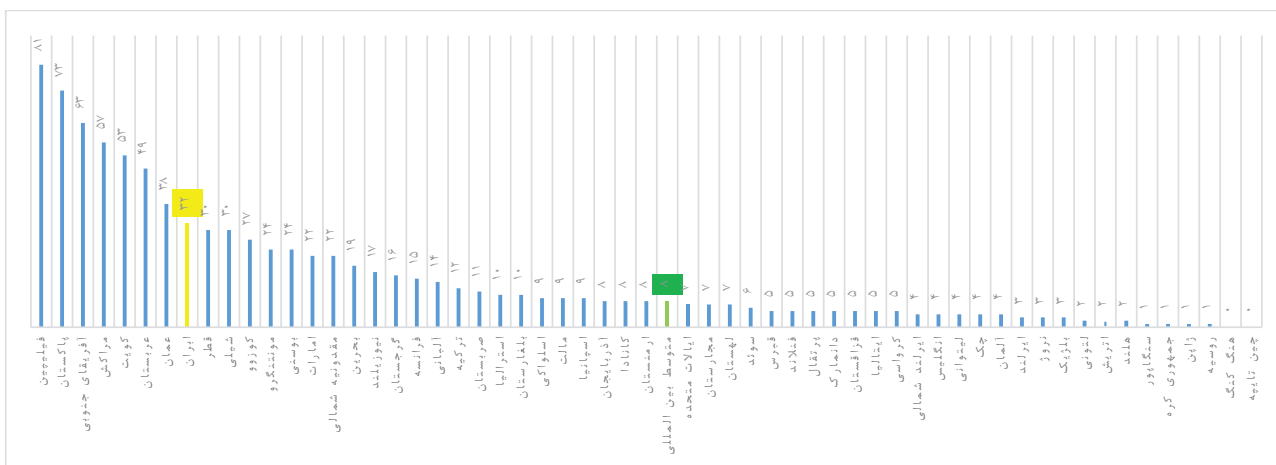
نمودار ۶. میانگین نمرات آزمون های نهایی در رشته های نظری (سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸)



منبع: وزارت آموزش و پرورش

آزمون استاندارد مشابه با آزمون PISA که به طور بین‌المللی در چند کشور و از جمله ایران هر ۴-۵ سال یک بار در دروس ریاضی، علوم و درک مطلب برای دو پایه چهارم و هشتم برگزار می‌شود، آزمون بین‌المللی تیمز و پرلز است که می‌توان از نتایج آن برای محاسبه این جنبه از فقر آموزشی - حداقل در سطح ملی و با امکان مقایسه بین‌المللی - استفاده کرد. جدیدترین آزمون در ایران در دو درس ریاضیات و علوم (تیمز) در سال ۲۰۱۹ اجرا شد. مطابق با داده‌های این آزمون در درس ریاضیات پایه چهارم، ۳۲ درصد از دانش‌آموزان نمره‌ای کمتر از ۴۰۰ دریافت کرده‌اند. این شاخص در سطح بین‌المللی ۸ درصد است و ۵۰ کشور از ۵۸ کشور سنجش شده، از منظر این شاخص وضعیت بهتری نسبت به ایران دارند.^۹

نمودار ۷. شاخص کم‌بهره‌مندی، ریاضیات پایه چهارم (۲۰۱۹) - درصد



منبع: مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز

به این ترتیب، ارزیابی فقر در زمینه سواد و دسترسی به آموزش پایه (ابتدایی) عملکرد نسبتاً مطلوبی را در ایران نشان می‌دهد، اما در مورد آموزش متوسطه و کیفیت تحصیلی (دو زمینه مهم در تعریف فقر آموزشی توسط کمیسیون اروپا) شاخص‌ها وضعیت نامطلوبی را نشان می‌دهند. در بخش بعدی با بررسی سایر شاخص‌های معیار نظام آموزشی، سعی در توضیح چرایی این عملکرد ضعیف و عوامل مؤثر بر فقر آموزشی داریم.

۹- در ریاضیات پایه هشتم نیز این شاخص ۳۲ درصد را نشان می‌دهد، با این تفاوت که متوسط بین‌المللی آن ۱۳ درصد است.

۳. عوامل مؤثر بر فقر آموزشی و وضعیت ایران از منظر این عوامل

فقر آموزشی با برخی از عوامل تعیین‌کننده اساسی، از جمله وضعیت اقتصادی-اجتماعی، زمینه خانوادگی، محیط یادگیری در خانه و عوامل مرتبط با مدرسه مرتبط است. به این ترتیب می‌توان علل فقر آموزشی (جدول ۲) را ذیل دو مجموعه کلی عوامل مربوط به خانوار کودک و عوامل مربوط به محیط مدرسه دسته‌بندی کرد و براساس آن به تفصیل به هر یک پرداخت.

جدول ۳. شاخص‌های مهم در زمینه عوامل مؤثر بر فقر آموزشی

دسته‌بندی کلی عوامل مؤثر	شاخص‌ها	دوره انتشار	وضعیت دسترسی به مقدار شاخص
عوامل مستقیم مربوط به خانوار	نرخ فقر بولی کودکان	سالانه	از داده‌های پایگاه رفاه ایرانیان به تفکیک استان محاسبه شده است.
	نرخ عدم دسترسی تحصیلی والدین	سالانه	با استفاده از داده‌های طرح نمونه‌گیری هزینه-درآمد خانوار به تفکیک استان محاسبه شده است.
	شاخص کمبود منابع یادگیری در خانه	هر چهار سال	از خروجی مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز در سطح ملی محاسبه شده است.
	شاخص دوزبانه بودن کودک	هر چهار سال	از خروجی مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز در سطح ملی محاسبه شده است.
	شاخص کمبود فعالیت‌های عددی و سوادآموزی پیش از دبستان	هر چهار سال	از خروجی مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز در سطح ملی محاسبه شده است.
	نرخ پوشش پیش از دبستان	سالانه	سازمان اداری-استخدامی به تفکیک استان منتشر می‌کند.
عوامل مستقیم مربوط به مدرسه	شعاع دسترسی	سالانه	در هیچ سطحی محاسبه و منتشر نمی‌شود.
	نرخ اتصال به شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات	سالانه	سازمان اداری-استخدامی به تفکیک استان منتشر می‌کند.
	نسبت دانش آموز به رایانه	سالانه	در هیچ سطحی محاسبه و منتشر نمی‌شود.
	نسبت مدارس مناسب برای دانش آموزان استثنائی	سالانه	در هیچ سطحی محاسبه و منتشر نمی‌شود.
	تراکم کلاس	سالانه	سالنامه آماری به تفکیک استان منتشر می‌کند.
	تمرکز فقر	سالانه	در هیچ سطحی محاسبه و منتشر نمی‌شود.
	نسبت کلاس‌های چندپایه	سالانه	سازمان اداری-استخدامی به تفکیک استان منتشر می‌کند.
	نسبت دانش آموز به معلم	سالانه	سالنامه آماری به تفکیک استان منتشر می‌کند.
	نسبت کارکنان تخصصی	سالانه	سازمان اداری-استخدامی در سطح ملی منتشر می‌کند.
	شاخص حداقل تحصیلات رسمی معلمان	هر چهار سال	از خروجی مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز در سطح ملی محاسبه شده است.

۳-۱. عوامل مستقیم مربوط به خانوار

مطالعات نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیف خانوار بر مشارکت در آموزش تأثیر منفی می‌گذارد، در حالی که یک محیط حمایتی یادگیری در خانه بر رشد مهارت‌های اساسی تأثیر مثبت دارد. برخی از مهم‌ترین این شاخص‌ها در این زمینه به شرح زیر هستند:

۳-۱-۱. نرخ فقر پولی کودکان

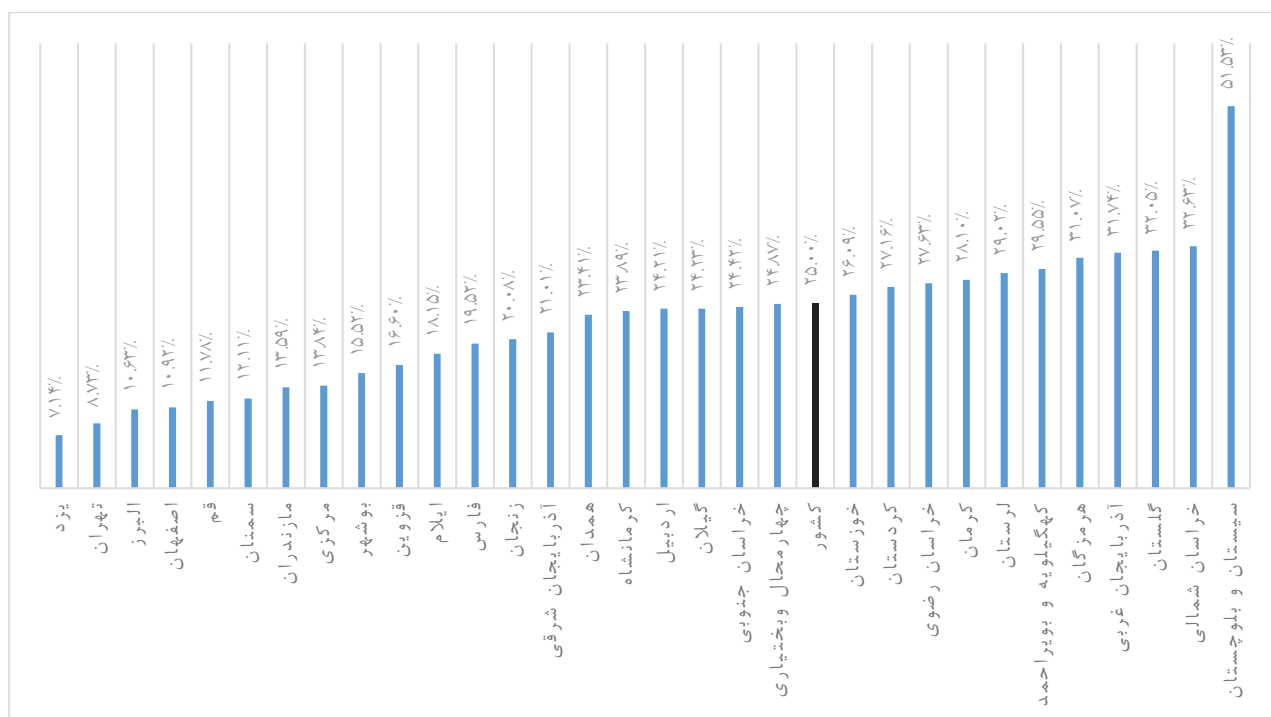
تحقیقات حاکی از آن است که زندگی در فقر، در کودکی، با عملکرد تحصیلی پایین‌تر از متوسط همراه است که از مهدکودک آغاز می‌شود و تا دبیرستان گسترش می‌یابد و منجر به پایین آمدن نرخ اتمام تحصیل می‌شود. نتایج طرح سرشماری کودکان بازمانده، به راهبری معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز نشان می‌دهد که فقر مالی یکی عمده دلایلی است که در اظهارات والدین، علت عدم حضور کودک در مدرسه عنوان شده است.

شاخص ایجادشده برای نشان دادن این عامل، درصدی از کودکان (زیر ۱۸ سال) را نشان می‌دهد که در خانوارهای فقیر زندگی می‌کنند^{۱۰} و ما آن را با استفاده از دو معیار فقر مختلف اندازه‌گیری کرده‌ایم. مطابق با داده‌های پایگاه رفاه ایرانیان و بر مبنای شاخص فقر تعریف‌شده در پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان، در سال ۱۳۹۹، ۲۵ درصد از کودکان در خانوارهای فقیر زندگی می‌کنند. از منظر این شاخص و آستانه تعریف‌شده برای آن، بیش از نیمی از کودکان سیستان و بلوچستان در فقر زندگی می‌کنند. استان‌های خراسان شمالی، گلستان، آذربایجان غربی و هرمزگان به ترتیب با مقادیر بالاتر از ۳۰ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از طرفی استان‌های یزد و تهران نیز با مقادیری کمتر از ۱۰ درصد بهترین استان‌ها از نظر این شاخص هستند. (نمودار ۸).

۱۰- نگاه کنید به:

https://nces.ed.gov/programs/raceindicators/indicator_rad.asp#:~:text=According%20to%20this%20measure%2C%2016,to%2018%20percent%20in%202016.

نمودار ۸. نرخ فقر کودکان (۱۳۹۹) - درصد



منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از داده‌های پایگاه رفاه ایرانیان

همچنین محاسبه این شاخص با استفاده از داده‌های هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران سال ۱۳۹۸ و شاخص فقر مشترک مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نشان می‌دهد که ۳۸ درصد از کودکان زیر ۱۸ سال در خانوارهایی فقیر زندگی می‌کنند.^{۱۱} داده‌های هزینه - درآمد خانوار از سال ۱۳۹۰ نیز نشان می‌دهد این نرخ در حال افزایش بوده است.^{۱۲}

۳-۱-۲. نرخ عدم دسترسی تحصیلی والدین

یکی دیگر از ویژگی‌های خانواده که با تجارب آموزشی کودکان و پیشرفت تحصیلی‌شان مرتبط است، وضعیت تحصیلی والدین است. تحقیقات نشان داده است که عوامل ریسک زندگی در یک خانواده بدون وجود پدر و مادری که آموزش متوسطه را به پایان رسانده باشند، با نتایج تحصیلی ضعیف مرتبط است، از جمله دریافت نمرات پایین، تکرار پایه و ترک تحصیل از مقطع متوسطه.^{۱۳} شاخصی که برای نشان دادن این ویژگی مورد استفاده قرار می‌گیرد درصدی از کودکان زیر ۱۸ سال است

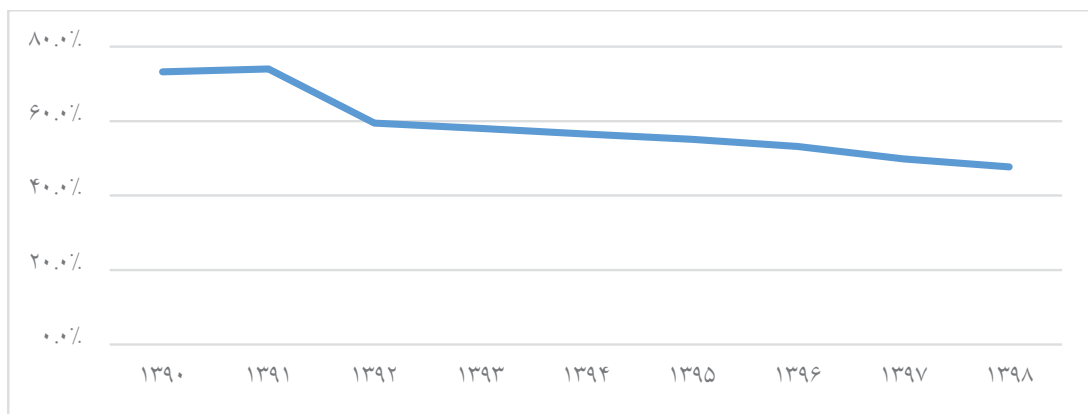
۱۱- جالب این که نرخ فقر کودکان از نرخ فقر کل کشور (۳۲ درصد) بالاتر است.

۱۲- از منظر جهانی نیز در سال ۲۰۱۷، در بین ۱۱۳ کشوری که بانک جهانی نرخ فقر پولی کودکان را برای آن‌ها بر مبنای نرخ فقر مطلق (۵٫۷ دلار در روز) گزارش کرده است، ایران در جایگاه ۱۰۱ جهان قرار دارد؛ متوسط جهانی این شاخص ۶۰/۰۷ درصد و برای ایران ۱۸/۷ درصد است.

۱۳- نگاه کنید به:

که در خانوارهایی زندگی می‌کنند که هیچ‌یک از والدین تحصیلات متوسطه ندارند. مطابق با داده‌های هزینه-درآمد خانوار، علی‌رغم کاهش این نرخ در طی سال‌های اخیر (نمودار ۹)، همچنان در سال ۱۳۹۸، ۴۷/۷ درصد از دانش‌آموزان در خانوارهایی زندگی می‌کردند که حداکثر تحصیلات والدین کمتر از متوسطه دوم است.

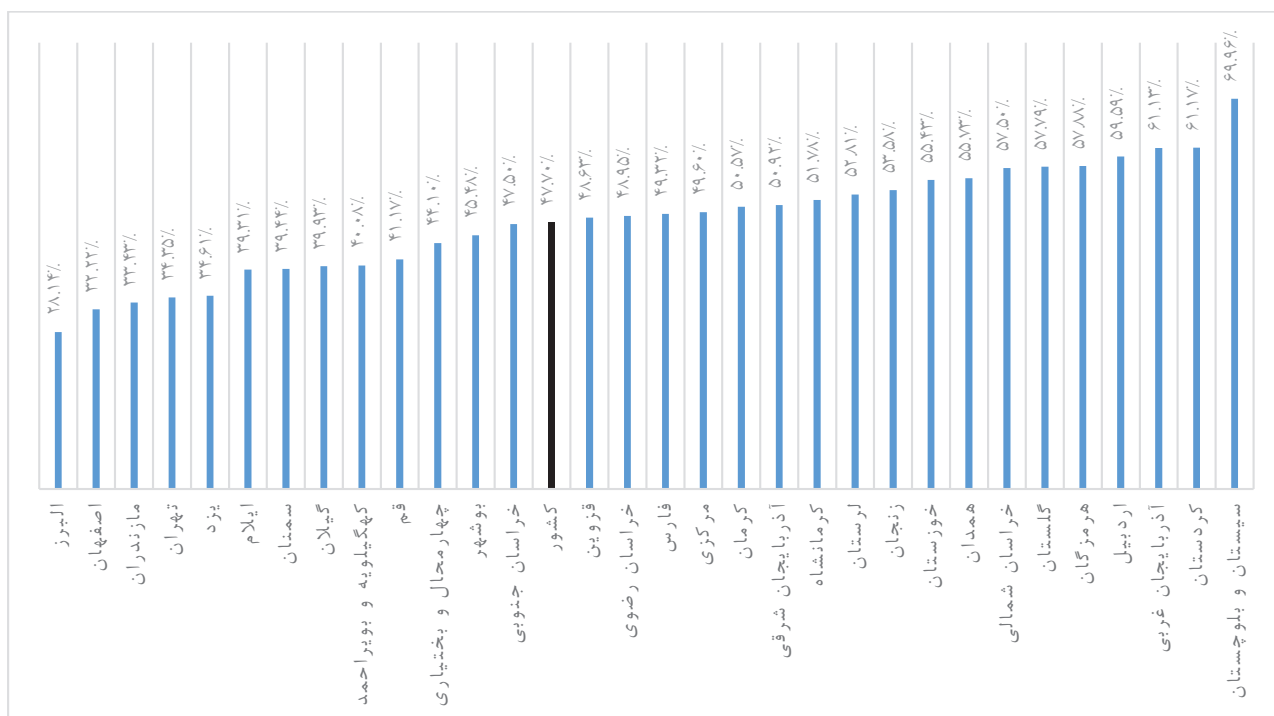
نمودار ۹. نرخ عدم دسترسی تحصیلی والدین ۱۳۹۰-۱۳۹۸ - درصد



منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از داده‌های هزینه-درآمد خانوار

محاسبات استانی این شاخص (نمودار ۱۰) نشان می‌دهد که در استان سیستان و بلوچستان و بدترین عملکرد، تقریباً ۷۰ درصد کودکان در خانوارهایی زندگی می‌کنند که هیچ‌یک از والدین تحصیلات متوسطه ندارند. بعد از سیستان و بلوچستان، استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و اردبیل در رتبه‌های بعدی قرار دارند. استان البرز نیز با نرخ ۲۸ درصد بهترین وضعیت را در بین استان‌های کشور داراست.

نمودار ۱۰. نرخ عدم دسترسی تحصیلی والدین (۱۳۹۸) - درصد

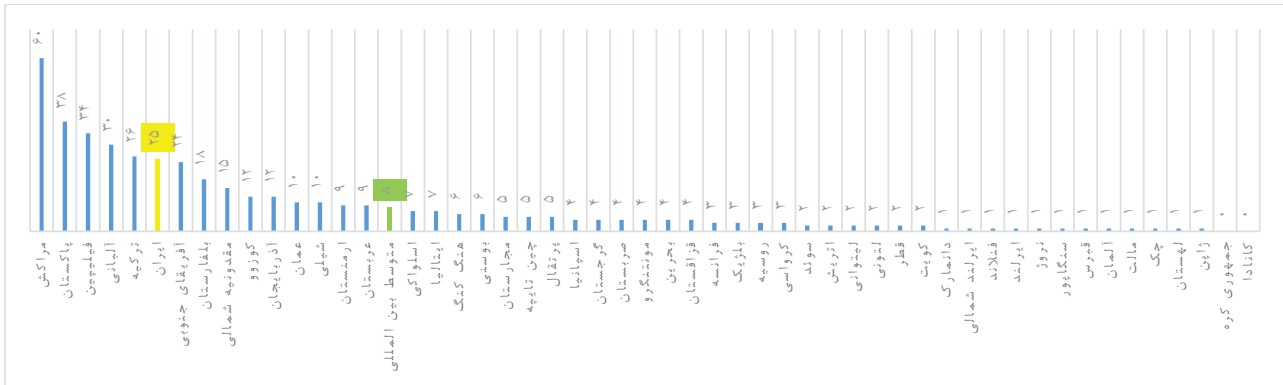


منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از داده‌های هزینه-درآمد خانوار

۳-۱-۳. شاخص کمبود منابع یادگیری در خانه

شاخص کمبود منابع یادگیری در خانه، شاخصی است که به نوعی شاخص‌های پیش‌گفته (فقرپولی، عدم دسترسی تحصیلی والدین) را در بر گرفته و توسط مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز محاسبه می‌شود. این مرکز، ضمن ارزیابی علمی نمونه‌ای از دانش‌آموزان هر کشور در درس ریاضیات، علوم و درک مطلب (که در بالا با استفاده از داده‌های آن شاخص کم‌بهره‌مندی را تعریف کردیم)، مواردی از ویژگی‌های خانواده و محیط خانه، مدرسه و معلمان را مورد پرسش قرار می‌دهد. یکی از این موارد با عنوان شاخص منابع یادگیری (آموزش) در خانه بر روی خروجی این مرکز قرار دارد که ما در اینجا از «درصدی از دانش‌آموزان با منابع کم یادگیری (تعداد کم کتب عمومی و کتب کودک در خانه، وضعیت ضعیف تحصیلی و شغلی والدین) در خانه» به عنوان یکی از نشانگرهای مؤثر بر فقر استفاده می‌کنیم. مطابق با داده‌های ۲۰۱۹ آزمون تیمز، ۲۵ درصد از دانش‌آموزان پایه چهارم (و ۳۱ درصد از دانش‌آموزان پایه هشتم) منابع کمی برای یادگیری (آموزش) در خانه دارند. متوسط بین‌المللی این شاخص ۸ درصد است و وضعیت ۴۸ کشور از ۵۴ کشور سنجش شده از منظر این شاخص بهتر از ایران است (نمودار ۱۱).

نمودار ۱۱. شاخص کمبود منابع یادگیری در خانه (۲۰۱۹) - درصد



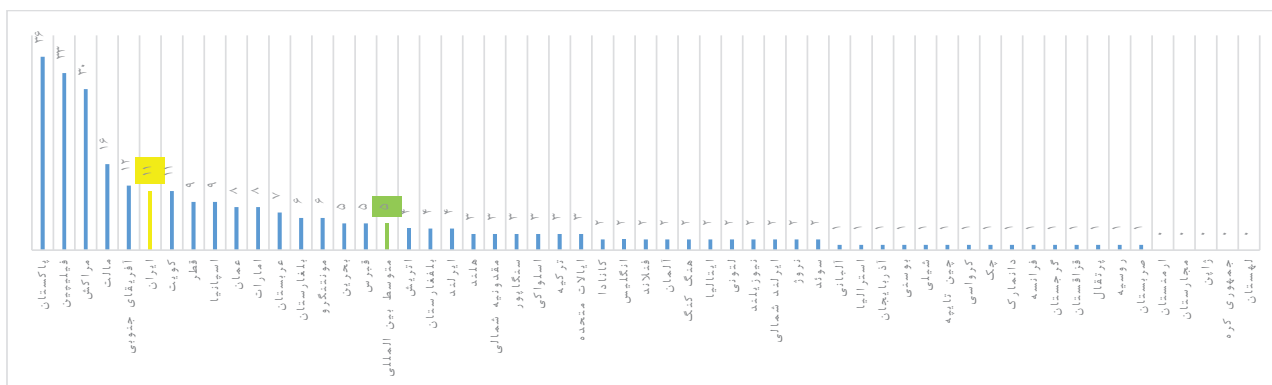
منبع: مرکز بین المللی تیمز و پرلز

۳-۱-۴. دوزبانه بودن کودک

یکی از مشکلات مضاعف دانش‌آموزان در مناطق دوزبانه کشورمان مسئله زبان است. کودکان در مناطق غیرفارسی‌زبان مجبورند با زبانی سوادآموزی کنند که کاملاً با آن بیگانه هستند و یا آشنایی کمی با آن دارند. شاید مشکل عمده این دانش‌آموزان سوادآموزی نیست و در درک ریاضی، علوم و غیره مشکلی ندارند؛ مشکل آن‌ها این است که زبان معلم را نمی‌دانند و یا نمی‌توانند درک کنند. زبان فارسی برای دانش‌آموزان غیرفارسی‌زبان وسیله‌ای ناآشنا است که استفاده از آن نیازمند تحمل سختی و انجام تلاش آگاهانه است. تمام و یا بیشتر وقت و انرژی آن‌ها صرف درک زبان و زبان‌آموزی می‌شود و برای یادگیری علم و سوادآموزی نه وقت، نه انرژی و نه انگیزه لازم باقی می‌ماند (عراقی و حاتمی، ۱۳۹۱).

شاید از این رو است که یکی از موارد مورد پرسش توسط مرکز تیمز و پرلز، میزان صحبت کودک در خانه به زبان آزمون است. بر این اساس، دانش‌آموزان به چهار دسته کلی «در خانه همیشه/ تقریباً همیشه/ بعضی اوقات/ هرگز به زبان آزمون صحبت می‌کند» تقسیم می‌شوند. گروهی که ما در اینجا از نسبت آن برای تعریف شاخص خود استفاده می‌کنیم، گروه چهارم است. به این ترتیب شاخص دوزبانه بودن کودک اشاره به درصدی از دانش‌آموزان دارد که هیچ‌گاه در خانه به زبان آزمون صحبت نمی‌کنند. مطابق با داده‌های آزمون تیمز (۲۰۱۹)، ۱۱ درصد از دانش‌آموزان پایه چهارم هیچ‌گاه در خانه به زبان فارسی صحبت نمی‌کنند (این گروه با متوسط نمره ۴۱۳ میانگین دستیابی کمتری را نسبت به دیگران دارند). این شاخص در سطح بین‌المللی نسبت ۵ درصد را نشان می‌دهد و ایران در بین ۵۸ کشور دارای داده، در جایگاه ششم قرار دارد (نمودار ۱۲).

نمودار ۱۲. شاخص دوزبانه بودن کودک دانش‌آموزان کلاس چهارم (۲۰۱۹) - درصد



منبع: مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز

۳-۱-۵. شاخص کمبود فعالیت‌های عددی و سوادآموزی پیش از دبستان

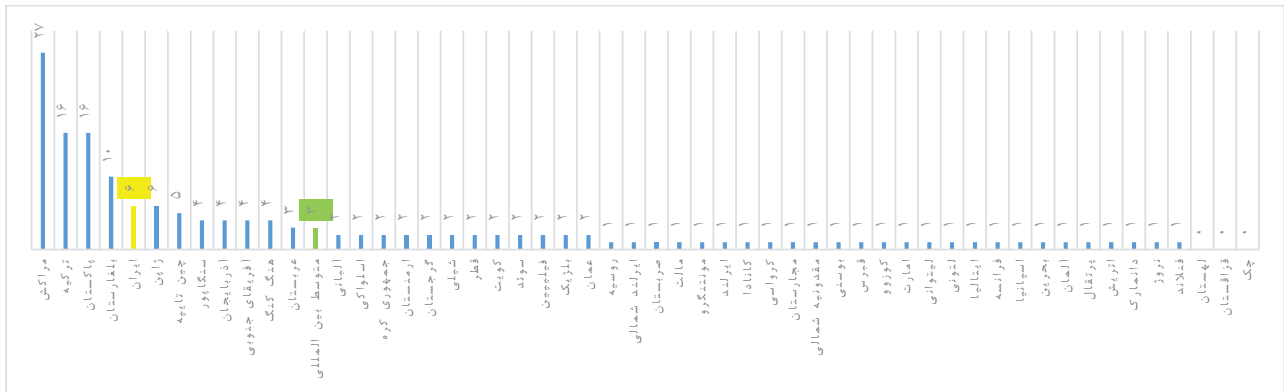
مطالعات علمی و تحقیقات در زمینه کودکان نشان داده است که حدود ۵۰ درصد از رشد شناختی بین زمان تولد تا ۴ سالگی، حدود ۳۰ درصد آن بین ۴ تا ۸ سالگی و ۳۰ درصد باقی‌مانده در فاصله سنین ۸ تا ۱۷ سالگی شکل می‌گیرد. این نتایج تجارب مناسب یادگیری را در سال‌های اولیه کودکی به خوبی نمایان می‌سازد (مفیدی، ۱۳۸۸). با توجه به اهمیت فعالیت‌های سوادآموزی پیش از دبستان^{۱۴} یکی از اهداف خود را این‌گونه اعلام کرده است: «تا سال ۲۰۳۰ اطمینان حاصل شود که همه دختران و پسران به رشد، مراقبت و آموزش پیش از دبستان برابر در اوایل دوران کودکی دسترسی دارند، به طوری که آماده آموزش ابتدایی شوند»^{۱۵}. مهم‌تر آن که در ایران و با توجه به نسبت بالای کودکانی که در خانواده‌های غیرفارسی‌زبان متولد می‌شوند، اهمیت آموزش‌های پیش از دبستان بیشتر خواهد بود.

با توجه به اهمیت فعالیت‌های سوادآموزی پیش از دبستان، تعدادی از انواع فعالیت‌ها، از والدین دانش‌آموزان در بررسی‌های تیمز و پرلز مورد سؤال قرار می‌گیرد و دانش‌آموزان بر اساس میزان فعالیت سوادآموزی و عددی پیش از دبستان (اغلب / بعضی مواقع / هیچ‌گاه یا تقریباً هیچ‌گاه) به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند. در مورد این معیار مورد توجه مرکز تیمز و پرلز نیز برای ما در صدی از دانش‌آموزان مهم است که «هیچ‌گاه یا تقریباً هیچ‌گاه» فعالیت عددی یا سوادآموزی قبل از دوره ابتدایی نداشته‌اند. مطابق با داده‌های آزمون تیمز (۲۰۱۹)، ۶ درصد از دانش‌آموزان پایه چهارم هیچ‌گاه (یا تقریباً هیچ‌گاه) تا پیش از شروع دبستان فعالیت‌های مرتبط با سوادآموزی نداشته‌اند (این گروه از دانش‌آموزان با میانگین نمره ۳۹۶، میزان دستیابی کمتری نسبت به سایر دانش‌آموزان که فعالیت‌های سوادآموزی پیش از دبستان داشته‌اند نمره کسب کردند). این شاخص در سطح بین‌المللی نسبت ۳ درصد را نشان می‌دهد و ایران با جایگاه پنجم در بین ۵۴ کشور دارای داده، از نظر فعالیت‌های سوادآموزی پیش از دبستان بسیار ضعیف‌تر از متوسط بین‌المللی است (نمودار ۱۳).

14- Sustainable Development Goals

15- <https://indicators.report/targets/>

نمودار ۱۳. شاخص فعالیت‌های سوادآموزی پیش از دبستان دانش‌آموزان کلاس چهارم (۲۰۱۹) - درصد



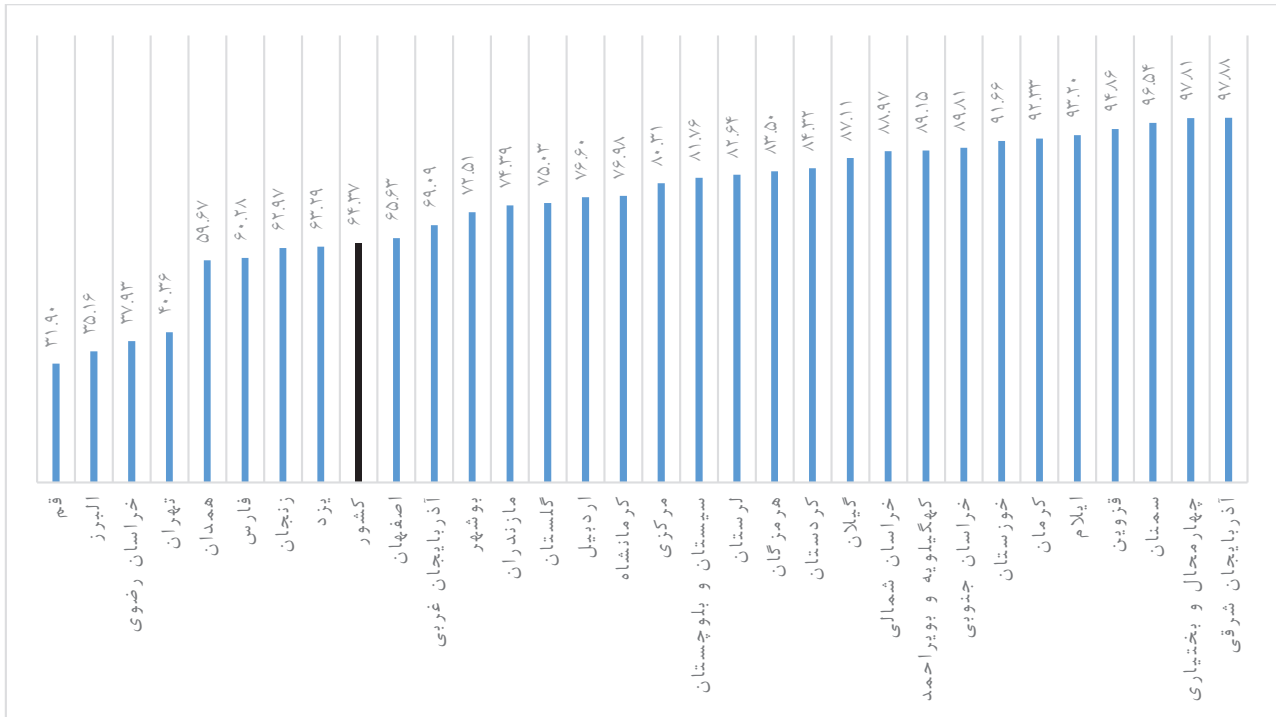
منبع: مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز

۳-۱-۶. نرخ پوشش پیش دبستان

نرخ پوشش پیش دبستان، یک شاخص رایج‌تر و در دسترس‌تر برای ارزیابی - حداقل کمی - آموزش‌های پیش از دبستان است که در شاخص قبلی مدنظر تیمز و پرلز به اهمیت آن اشاره کردیم. این شاخص بیانگر درصد کودکان ۴ و ۵ ساله ثبت‌نام شده در مراکز پیش دبستانی است. بر اساس آخرین گزارش منتشره توسط سازمان اداری-استخدامی (۱۳۹۸)، میانگین این شاخص در کشور ۶۷/۶۸ درصد است. مطابق با داده‌های بانک جهانی (۲۰۱۹) در بین ۱۱۷ کشور که داده‌های آن‌ها در دسترس است، ایران در جایگاه چهارم و هفتم - بالاتر از متوسط جهانی نرخ ناخالص ثبت‌نام پیش دبستان (۶۱/۵۲ درصد) - قرار دارد. این شاخص در سال ۲۰۱۹، برای کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا و کشورهای با درآمد بالا به ترتیب مقادیر ۷۶ و ۸۳ درصد را نشان می‌دهد.

به لحاظ استانی نیز براساس داده‌های منتشر شده توسط سازمان اداری-استخدامی (۱۳۹۸) (نمودار ۱۴) استان‌های آذربایجان شرقی، چهارمحال و بختیاری، سمنان، قزوین، ایلام، کرمان و خوزستان به ترتیب، بهترین استان‌ها به لحاظ پوشش پیش دبستان (نرخ بالای ۹۰ درصد) هستند. بدترین نرخ پوشش‌ها (کمتر از ۴۰ درصد) نیز به ترتیب به استان‌های قم، البرز، خراسان رضوی و تهران تعلق دارد.

نمودار ۱۴. نرخ پوشش پیش دبستان (۱۳۹۸) - درصد



منبع: سازمان اداری-استخدامی

۳-۱-۷. وضعیت کلی عوامل مؤثر بر فقر در محیط خانوار در ایران

مجموعه شاخص‌های مربوط به خانواده و محیط خانه کودک نشان می‌دهد که درصد بالایی از کودکان مادران خانوارهایی زندگی می‌کنند که دچار فقر پولی و فقر منابع یادگیری در خانه هستند و این می‌تواند بر کیفیت یادگیری و دسترسی آموزشی کودکان بسیار تأثیرگذار باشد. ضعف امکانات یادگیری در خانه، احتمال بالای ناکارایی طرح‌های آموزش از راه دور و متکی بر حمایت والدین - به خصوص در استان‌های محروم - را در پی دارد. از طرفی شرایط نامناسب اقتصادی - اجتماعی خانوار برای تحصیل کودکان و وضعیت نامطلوب آموزش‌های پیش از دبستان نشان می‌دهد که نرخ بالاتر از متوسط جهانی پوشش پیش دبستان در ایران، نباید برای نظام آموزشی راضی‌کننده باشد و با توجه به اهمیت آموزش کودک در سنین ۳-۶ سال، باید تحصیل در این مقطع اجباری باشد.

۳-۲. عوامل مستقیم مربوط به مدرسه

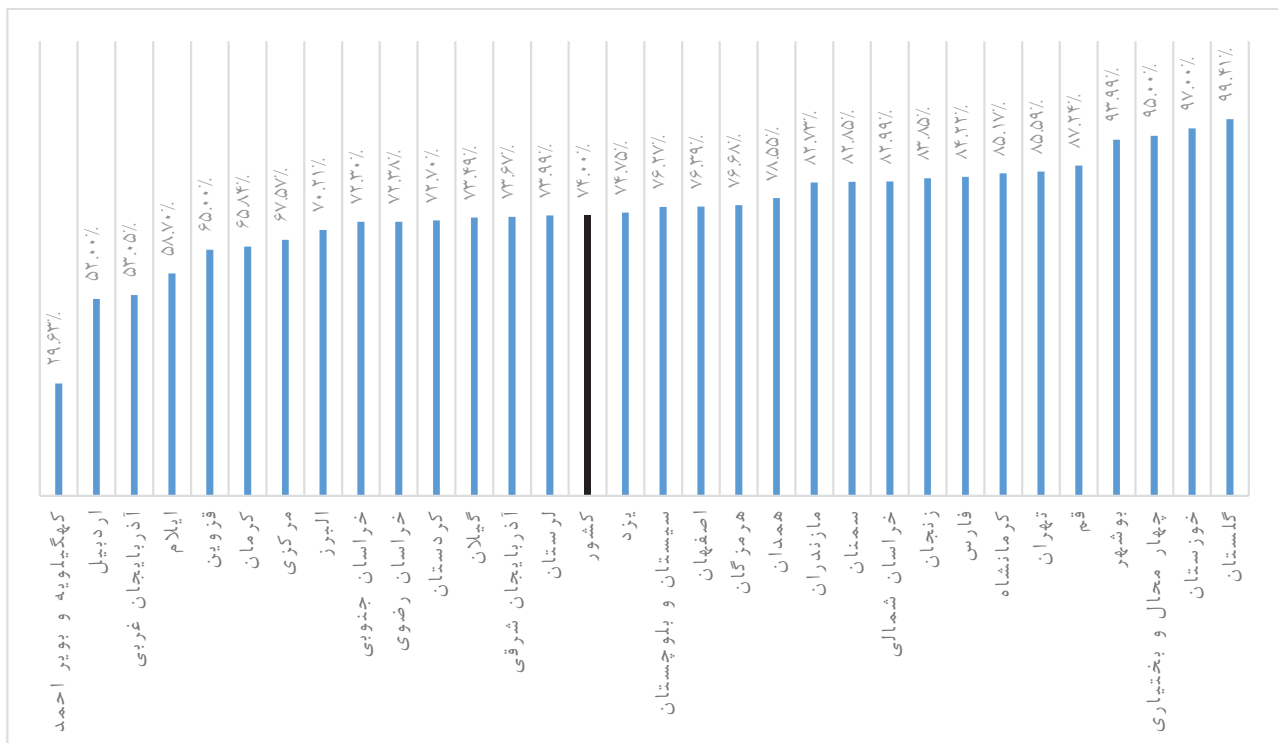
بسیاری از محققان عوامل مرتبط با مدرسه را بسیار مهم ارزیابی کرده‌اند. مشخص شده است که کمبودهای سیستم مدرسه گاهی - حتی در نسبت با عوامل اقتصادی - مهم‌ترین مانع در مشارکت کودکان در مدارس است (Banerji, 2000). از طرفی مدرسه می‌تواند برای کودکان دچار فقر مالی و فاقد منابع یادگیری، نقش جبران‌کننده و یاری‌دهنده ایفا کند. بر این اساس، مهم‌ترین شاخص‌های مرتبط با مدرسه به شرح زیر هستند:

۳-۲-۱. نرخ اتصال به شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات

این شاخص که از نشانگرهای ارزیابی نظام آموزش و پرورش است، میزان دسترسی مدارس به شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات را نشان می‌دهد. شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات، شبکه‌ای مبتنی بر قرارداد اینترنت (شبکه) به همراه سویچ‌ها و مسیریاب‌ها و مراکز داده‌ای و متناسب با نیاز آموزشی و تربیتی در محیط‌های آموزشی است که به صورت درخواست‌های دسترسی داخلی و اخذ اطلاعاتی که در مرکز داده داخلی نگهداری می‌شوند، به هیچ‌وجه از طریق خارج مسیریابی نشود و امکان ایجاد شبکه‌های اینترنت، خصوصی و امن داخلی در آن فراهم شود. بیشتر بودن این شاخص مطلوب است، زیرا امکان بهره‌گیری بیشتر از منابع آموزشی و پژوهشی را در محیط مدارس فراهم می‌کند و به ارتقای بهره‌وری نظام آموزشی کمک خواهد کرد.

این شاخص که از تقسیم تعداد مدارس متصل به شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات بر تعداد کل مدارس حاصل می‌شود، مطابق با گزارش عملکرد وزارت آموزش و پرورش بر روی سایت سازمان آداری استخدامی (۱۳۹۸)، نرخ ۷۴ درصد را برای کل کشور نشان می‌دهد. استان‌های گلستان، خوزستان، چهارمحال و بختیاری و بوشهر با نرخ اتصال بیش از ۹۰ درصد بهترین عملکرد را از منظر این شاخص نشان می‌دهند. همچنین استان کهگیلویه و بویراحمد با نرخ ۳۰ درصدی و با اختلاف بسیار از بدترین استان و میانگین کشوری، بدترین وضعیت را دارد.

نمودار ۱۵. نرخ اتصال به شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (۱۳۹۸) - درصد



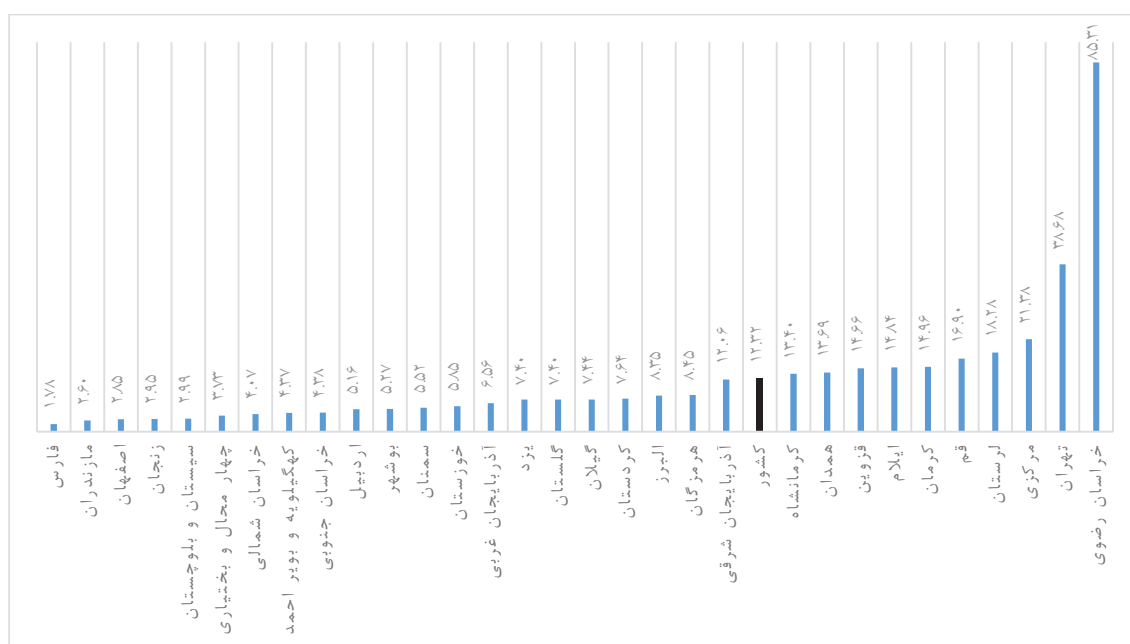
منبع: سازمان آداری-استخدامی

۳-۲-۲. نسبت دانش آموز به رایانه

فعالیت های رایانه ای و اینترنتی و میزان استفاده دانش آموزان به چند دلیل مورد توجه است. استفاده از رایانه و اینترنت با پیشرفت در آموزش، چشم انداز بازار کار و زندگی روزمره همراه است. از آنجاکه این فناوری ها پتانسیل بهبود دسترسی به اطلاعات، کمک به انجام بهتر یا سریع تر کارها و تسهیل ارتباطات را موجب می شود، میزان استفاده از رایانه و اینترنت از شاخص های استاندارد زندگی است. استفاده از رایانه به دانش آموزان کمک می کند سواد رایانه ای کسب کنند و از این رو می تواند نشان دهد که نسل فعلی دانش آموزان تا چه اندازه برای ورود به نیروی کار در آنجا که سواد رایانه ای مورد تقاضا است، آمادگی کافی را خواهد داشت. استفاده از رایانه همچنین ممکن است رشد شناختی را در کودکان و بزرگسالان، به ویژه زمینه هوش بینایی را تقویت کند. یافته های دیگر حاکی از آن است که استفاده از رایانه ممکن است تأثیر مثبتی در انگیزش دانش آموزان در سطح ابتدایی و متوسطه داشته باشد و بسته به نحوه استفاده از رایانه، قابلیت بهبود عملکرد تحصیلی را به همراه داشته باشد. تحقیقات عموماً تأیید می کنند که انجام تمرینات با کمک رایانه در میزان دستیابی دانش آموزان مؤثر است.

یکی از شاخص هایی که در چارچوب دسترس پذیری و سهولت دسترسی به رایانه با اهداف آموزشی برای دانش آموزان اشاره دارد، نسبت تعداد دانش آموزان به رایانه است. این شاخص متأسفانه در ایران محاسبه نمی شود و بنابراین، در این گزارش از شاخص جایگزین «نسبت مدارس مجهز به کارگاه رایانه به کل مدارس» که سازمان اداری-استخدامی منتشر می کند استفاده شده است؛ یعنی نسبتی از مدارس که دارای کارگاه رایانه هستند. مقدار این شاخص در سال ۱۳۹۸، برای کل کشور برابر با ۱۲/۷ درصد بوده است. همان طور که نمودار ۱۶ نشان می دهد، استان های فارس، مازندران، اصفهان، زنجان و سیستان و بلوچستان از منظر این شاخص بدترین عملکرد (کمتر از ۳ درصد) را دارند و استان های خراسان رضوی، تهران و مرکزی نیز بهترین عملکرد را ثبت کرده اند.

نمودار ۱۶. نسبت مدارس مجهز به کارگاه رایانه (۱۳۹۸) - درصد



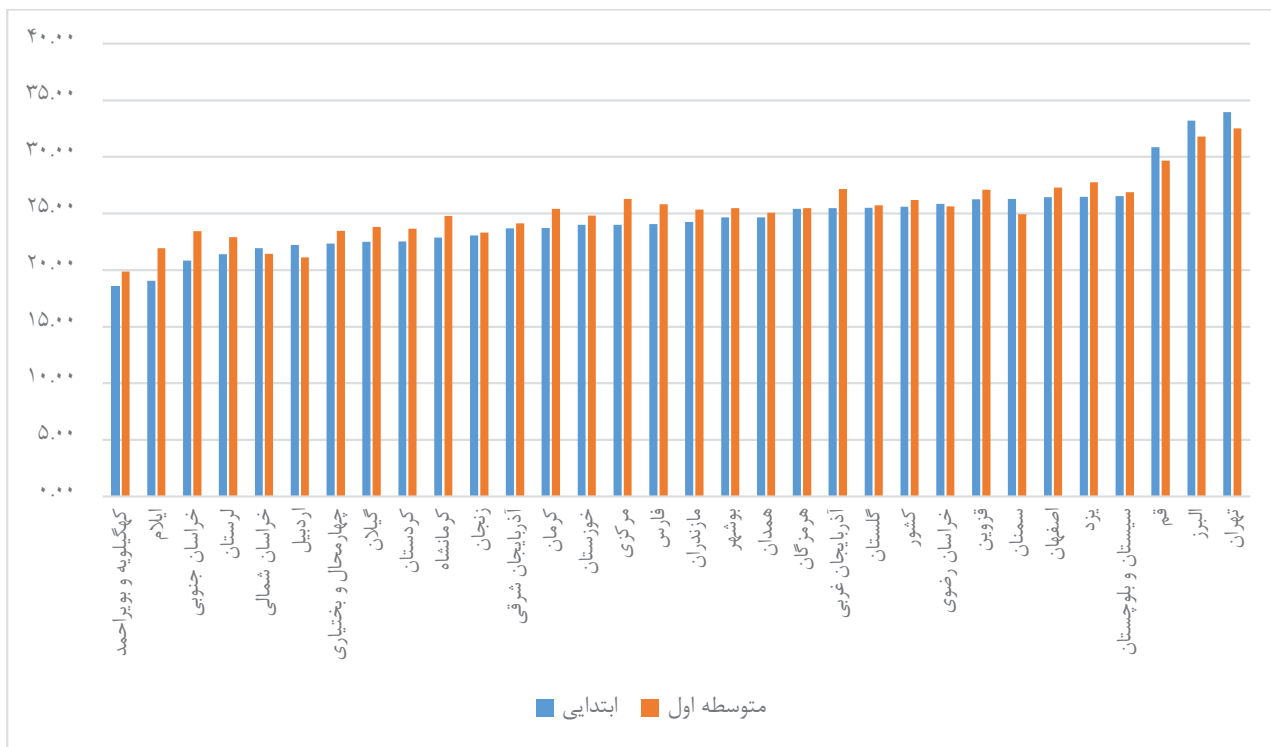
منبع: سازمان اداری-استخدامی

۳-۲-۳. تراکم کلاس

این شاخص تعداد دانش‌آموزان به ازای یک کلاس درس (دایره) در یک واحد آموزشی را نشان می‌دهد. در کلاس با حجم تراکم کمتر و استاندارد، دانش‌آموزان فرصت بیشتری برای تعامل با معلم و بهره‌گیری مطلوب از فن‌آوری و فضای کلاس خواهند داشت. از طرفی، در یک کلاس با تراکم کمتر، معلم امکان بهتر کنترل نظم را خواهد داشت و این مسلماً بر کیفیت یادگیری مؤثر خواهد بود.

با استفاده از گزارش سازمان اداری استخدامی در سال ۱۳۹۸، تراکم کلاس در مقاطع پایه ابتدایی و متوسطه اول به ترتیب ۲۵،۶۱ نفر و ۲۶،۲۱ نفر بوده است که هر دو تعدادی بالاتر از استاندارد داخلی^{۱۶} (ابتدایی: ۲۰ نفر، متوسطه اول: ۲۲ نفر) و متوسط کشورهای OECD (ابتدایی و متوسطه اول به ترتیب ۲۱ و ۲۳ نفر در سال ۲۰۱۸) هستند. داده‌های استانی این شاخص برای سال ۱۳۹۸ برای دو مقطع ابتدایی و متوسطه اول (نمودار ۱۷) نیز نشان می‌دهد که استان‌های تهران، البرز و قم در هر دو مقطع به ترتیب بیشترین میزان تراکم را دارند. استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و خراسان جنوبی در مقطع ابتدایی و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، اردبیل، خراسان شمالی، ایلام و لرستان در مقطع متوسطه اول، میزان تراکم کمتری از متوسط کشورهای OECD در سطوح مشابه نشان می‌دهند.

نمودار ۱۷. شاخص تراکم کلاس در دو مقطع ابتدایی و متوسطه (۱۳۹۸) - نفر

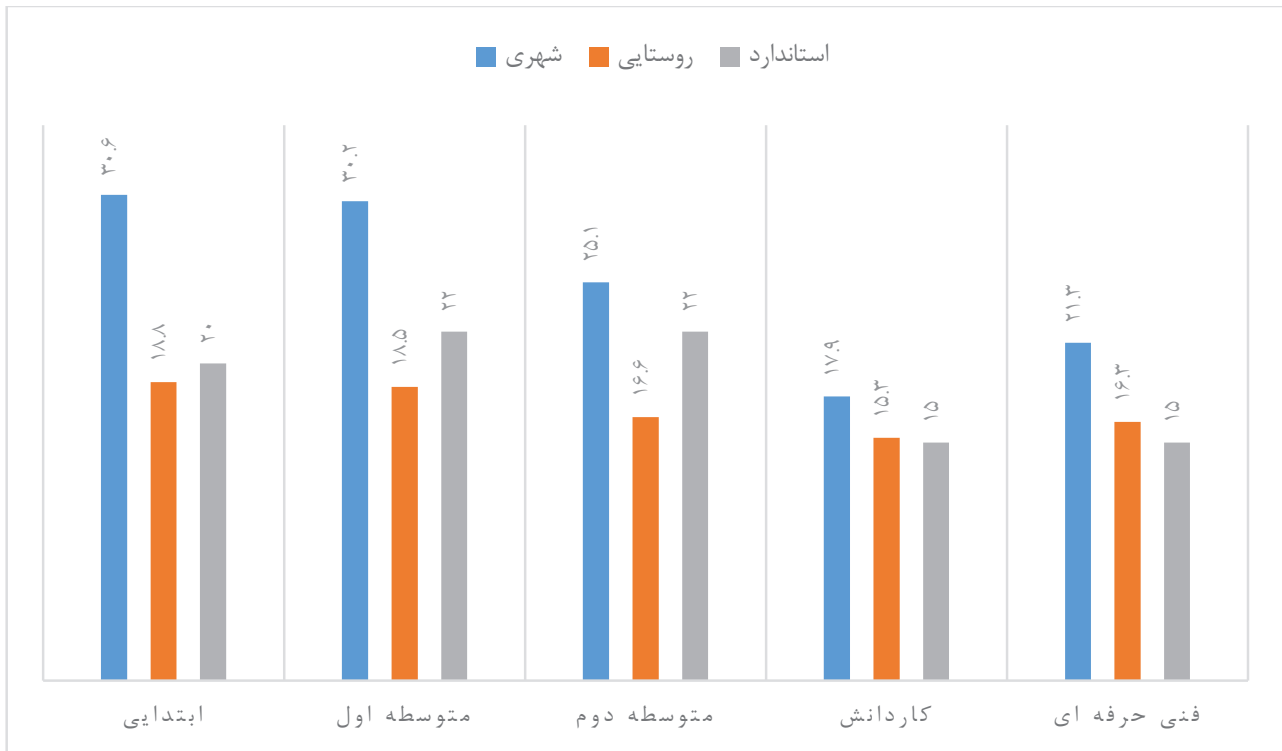


منبع: سازمان اداری-استخدامی

۱۶- این استاندارد در مصوبه ۱۳۹۲/۰۷/۱۵ با عنوان «نشانه‌های ارزشیابی نظام آموزش و پرورش و استانداردهای آن» آورده شده است.

در نمودار زیر، این شاخص به تفکیک شهری و روستایی برای کل مقاطع آورده شده است.

نمودار ۱۸. تراکم کلاس واقعی (سال ۱۳۹۸) و استاندارد برای تمام مقاطع به تفکیک شهری/روستایی - نفر



منبع: سازمان اداری-استخدامی

۳-۲-۴. شاخص تمرکز فقر

دستیابی و بهره‌مندی شدیداً با محیط آموزشی و فضای آموزشی ایجاد شده از ناحیه دیگر دانش‌آموزان مدرسه مرتبط است. دانش‌آموزان از یک زمینه خاص خانوادگی وقتی در یک مدرسه با ترکیب اجتماعی مختلفی وارد می‌شوند، به سطح کاملاً متفاوتی از دستیابی تحصیلی نائل خواهند آمد (Coleman, et al, 1966). این ارتباط در مورد وضعیت درآمدی قوی‌تر می‌شود. در این باره گفته می‌شود که دانش‌آموزان غیر فقیری که در مدارس با تمرکز فقر بالا ثبت نام کرده‌اند، محتمل‌تر است که از دانش‌آموزان فقیری که در مدارس با تمرکز فقر کم تحصیل می‌کنند، به لحاظ تحصیلی عقب بمانند (Kennedy, Jung & Orland, 1986)؛ بنابراین، شاخص تمرکز فقر در بررسی چرایی کم بهره‌مندی تحصیلی دانش‌آموزان یک مدرسه بسیار اهمیت دارد. ضمن آن که محاسبه این شاخص برای هر مدرسه و منطقه آموزشی می‌تواند در جهت‌دهی به حمایت‌های مالی بسیار کمک‌کننده باشد.

در این گزارش ما با استفاده از داده‌های در دسترس، این شاخص را برای سه شهری که داده‌های آن را در اختیار داشتیم



محاسبه کردیم. به این ترتیب که هر مدرسه که بیش از ۷۵ درصد از دانش آموزانش در خانوارهای ۵ دهک پایین درآمدی زندگی می‌کردند مدرسه با تمرکز فقر بالا تشخیص داده شده و تمام دانش آموزان آن مدرسه در نسبت تمرکز فقر قرار گرفتند. به عنوان مثال، اگر بگوییم شاخص تمرکز فقر در تبریز ۱۳٫۲ درصد است، به این معناست که ۱۳٫۲ درصد دانش آموزان در تبریز در مدارس با تمرکز فقر بالا تحصیل می‌کنند.^{۱۷}

جدول ۴. شاخص تمرکز فقر در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ درصد

شهر	شاخص تمرکز فقر
تبریز	۱۳٫۲
مشهد	۹٫۲
هرسین	۳۲

منبع: معاونت رفاه اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

توضیح: اعداد داخل جدول نشان می‌دهند که چند درصد از دانش آموزان در هر یک از شهرها، در مدارس با تمرکز فقر بالا تحصیل می‌کنند.

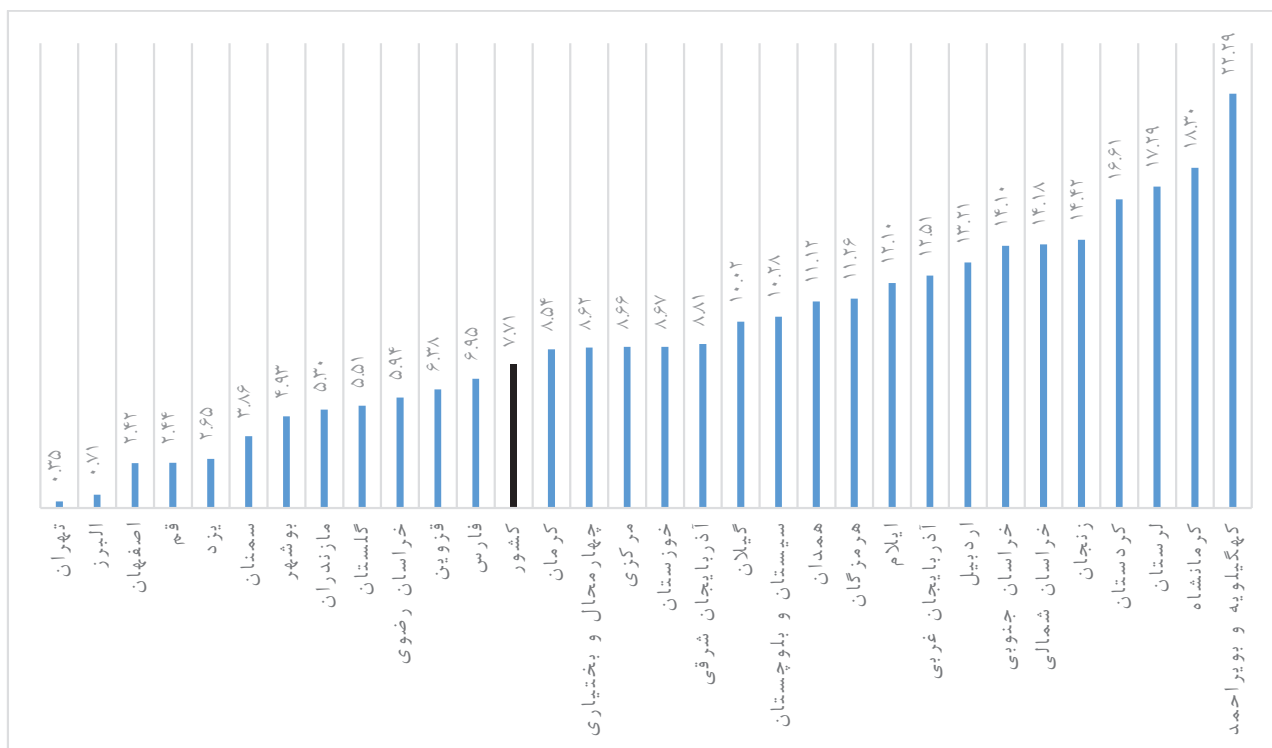
۳-۲-۵. نسبت کلاس‌های چندپایه به کل کلاس‌های درس

این شاخص بیانگر تعداد دانش آموزانی است که در کلاس‌های چندپایه تحصیل می‌کنند. اگر در یک واحد آموزشی دو یا چندپایه تحصیلی از دانش آموزان در یک کلاس درس و با حضور یک معلم به تحصیل بپردازند، صرف نظر از این که هر دو یا چندپایه زیر نظر یک یا دو معلم اداره شود، آن کلاس را چندپایه می‌گویند. کمتر بودن این شاخص مطلوب است، زیرا هر چه تعداد کلاس‌های تک‌پایه بیشتر باشد، امکان ارائه خدمات آموزشی و پرورشی بیشتر و مطلوب‌تر به دانش آموزان فراهم می‌شود. در کلاس‌های چندپایه معلم زمان کمی در اختیار دارد تا به هر دانش آموز اختصاص دهد. از این رو این شاخص می‌تواند نشانگری برای کیفیت پایین آموزش باشد.

داده‌های عملکردی وزارت آموزش و پرورش، ارائه شده به سازمان اداری استخدامی، در سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که ۷/۷۱ درصد از کلاس‌های درس را کلاس‌های چندپایه تشکیل می‌دهد. آمار این شاخص به تفکیک استان (نمودار ۱۹) نیز نشان می‌دهد که استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، لرستان و کردستان با نسبتی بیش از دو برابر مقدار متوسط کشوری بدترین وضعیت را دارند. همچنین استان‌های تهران و البرز با مقادیری کمتر از یک درصد کلاس‌های چندپایه، بهترین وضعیت را دارند.

۱۷- در ایالات متحده آمریکا دسته‌بندی مدارس بر اساس شاخص تمرکز فقر بر مبنای شمول دانش آموز در طرح غذای رایگان یا ارزان انجام می‌شود. دانش آموزانی تحت پوشش این طرح هستند که در خانواری زندگی می‌کنند که درآمدش کمتر از ۱۸۵ درصد خط فقر است.

نمودار ۱۹. نسبت کلاس‌های چندپایه به کل کلاس‌های درس دایر (۱۳۹۸) - درصد



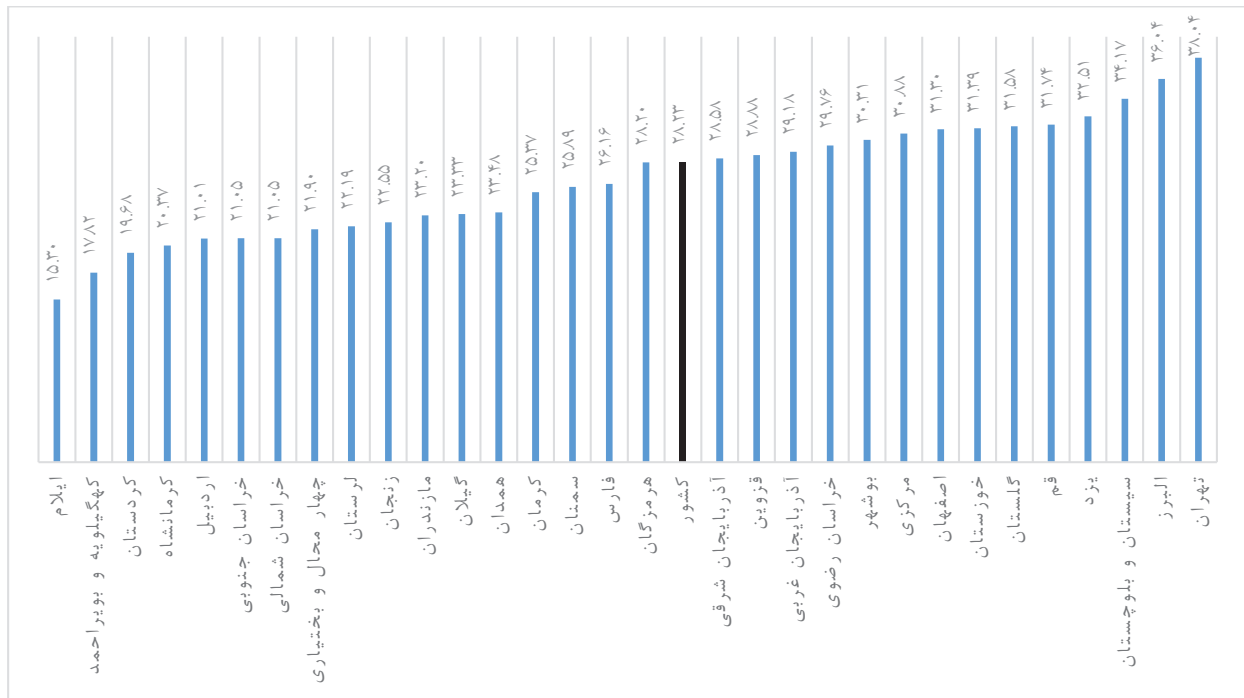
منبع: سازمان اداری-استخدامی

۳-۲-۶. نسبت دانش‌آموز به معلم

اثربخشی معلمان در آموزش و پرورش جایگاه بسیار مهمی دارد که می‌توان انعکاس آن را در میزان دسترسی و دستیابی تحصیلی مشاهده کرد. عوامل بیرونی وجود دارد که بر میزان اثرگذاری معلمان تأثیر می‌گذارد، مانند تعداد دانش‌آموزان به ازای هر معلم. این شاخص مورد توجه در گزارش‌های بانک جهانی هر چه کمتر باشد مطلوب‌تر است، زیرا هر یک از معلمان زمان بیشتری برای تعامل با تک‌تک دانش‌آموزان خواهد داشت.

در ایران نسبت دانش‌آموز به کارکنان آموزشی به عنوان شاخصی برای ارزیابی نظام آموزشی توسط سازمان اداری-استخدامی گزارش می‌شود، اما داده‌های آموزشی سالنامه آماری کشور (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که این شاخص در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ در کشور ۲۳/۲۸ نفر است. داده‌های استانی (نمودار ۲۰) نیز نشان می‌دهد که استان‌های تهران و البرز با تعدادی بیشتر از ۳۵ دانش‌آموز به ازای هر معلم بدترین وضعیت در کشور را دارند و استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و کردستان با تعدادی کمتر از ۲۰ دانش‌آموز به ازای هر معلم بهترین وضعیت در کشور را دارند.

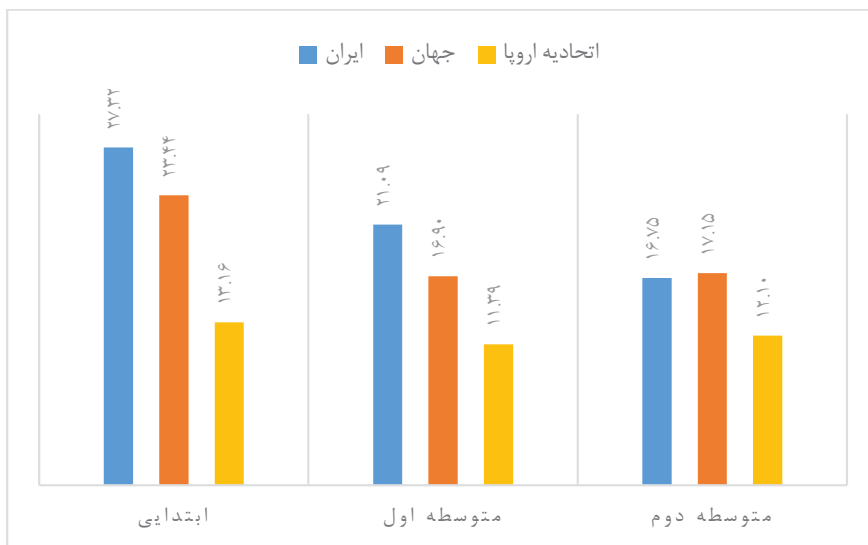
نمودار ۲۰. نسبت دانش آموز به معلم (۱۳۹۸) - نفر



منبع: سالنامه آماری

از طرفی همان طور که نمودار زیر نشان می دهد، میزان این شاخص در سال ۲۰۱۶ در آمارهای بانک جهانی برای دو مقطع ابتدایی و متوسطه اول (به عنوان مقاطع پایه آموزشی)، از متوسط جهانی آن بالاتر و از متوسط اروپا هم فاصله زیادی دارد.

نمودار ۲۱. شاخص نسبت دانش آموز به معلم در ایران، جهان و اتحادیه اروپا (۲۰۱۶) - نفر



منبع: بانک جهانی

۳-۲-۷. شاخص کارکنان تخصصی

تمرکز اثربخشی معلمان در درجه اول مبتنی بر کیفیت معلمان و نحوه آموزش آنان بوده است. یکی از شاخص‌هایی که در کشور در این مورد محاسبه قرار می‌گیرد - هرچند به طور مشخص به معلمان نمی‌پردازد - شاخص کارکنان تخصصی است. این شاخص که از نشانگرهای ارزیابی نظام آموزش و پرورش کشور (مصوب ۱۳۹۲/۰۷/۱۵) است، نسبتی از کارکنان را اندازه‌گیری می‌کند که مدرک، سطح، رشته تحصیلی و علمی آن‌ها به پست مورد تصدی مرتبط باشد. متأسفانه این شاخص در سطح استانی محاسبه و اعلام نمی‌شود، اما مقادیر ملی آن بر اساس آخرین گزارش منتشره توسط سازمان اداری - استخدامی (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که این شاخص در دوره ابتدایی ۶۶/۲۱ درصد، در دوره متوسطه اول ۶۸/۴۶ درصد و در دوره متوسطه دوم ۷۳/۷۹ درصد است. مقادیر اعلامی این شاخص توسط دستگاه متولی نظام آموزشی نشان می‌دهد که در دوره ابتدایی به عنوان مقطعی مهم و پایه‌ای، تنها ۶۶ درصد از کارکنان دارای صلاحیت تخصصی برای آموزش کودکان هستند.

۳-۲-۸. شاخص حداقل تحصیلات رسمی معلمان

یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند تصویری از کیفیت انتقال مفاهیم به دانش‌آموزان را نشان دهد، میزان تحصیلات رسمی معلمان است. این شاخص مورد توجه مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز نیز بوده است و این مرکز در بررسی‌های خود تحصیلات معلمان و نسبتی از دانش‌آموزان مورد بررسی که تحت هر ردیف تحصیلی از معلمان تحصیل می‌کنند را استخراج و گزارش می‌کند. ما در این گزارش از داده‌های آزمون تیمز ۲۰۱۹ استفاده کرده و شاخص مد نظر خود برای بحث فقر آموزشی را این‌گونه تعریف کردیم که نسبتی از دانش‌آموزان که تحت تعلیم معلمی با تحصیلات بالاتر از کارشناسی تحصیل می‌کنند. بر این اساس، در ایران، برای دانش‌آموزان پایه هشتم در درس ریاضیات، تنها ۲۶ درصد از دانش‌آموزان تحت تعلیم معلمانی با مدارک تحصیلی بالاتر از کارشناسی هستند. این نرخ در سطح بین‌المللی ۳۵ درصد است و ایران از این منظر در جایگاه ۲۲ در بین ۳۹ کشور دارای داده قرار دارد.

۳-۲-۹. وضعیت عوامل مؤثر بر فقر در محیط مدرسه در ایران

به این ترتیب و با توجه به شاخص‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مرتبط با مدرسه، به نظر می‌رسد که مدرسه می‌تواند بخشی از کیفیت پایین عملکرد دانش‌آموزان در آزمون‌های بین‌المللی را توضیح دهد. تراکم بالای کلاس‌ها، نسبت بالای دانش‌آموز به معلم، نسبت بالای مدارس که به کارگاه رایانه دسترسی ندارند، نشان از نسبت بالای مدارس غیراستاندارد دارد. علاوه بر کیفیت پایین تر از متوسط معلمان در ایران، تغییرات مکرر کتب درسی و عدم تطبیق معلمان با کتب درسی جدید، باعث کاهش کیفیت آموزش در ایران شده است. البته باید به این نکته توجه شود که شاخص‌های مرتبط با مدرسه و قضاوت در مورد آن‌ها را باید با نگاه به سایر شاخص‌ها مورد سنجش قرار داد. برای مثال، در مدارس که در آن‌ها دانش‌آموزان به لحاظ منابع یادگیری در خانه ضعیف هستند، حتی نباید به دستیابی به استانداردهای مصوب ملی در زمینه شاخص‌های مربوطه



اکتفا کرد؛ این گروه از دانش‌آموزان نیازمند کیفیت بالاتری از عرضه آموزشی هستند.

در اینجا باید اشاره شود که شاخص‌های مهمی مانند شعاع دسترسی (نسبتی از مدارس که حداکثر فاصله‌شان تا محل سکونت دانش‌آموز استاندارد است) و نسبت مدارس مناسب برای دانش‌آموزان استثنائی که در بالا به آن‌ها اشاره نشد، در بحث دسترسی و دستیابی تحصیلی مهم هستند، اما در ایران محاسبه و گزارش نمی‌شوند.

۴. ضعف‌ها و خلأهای سنجش میزان و توزیع فقرآموزش

ضعف‌های متولی نظام آموزشی در رصد و گزارش‌دهی فقرآموزشی به دو دسته کلی از نقض‌ها قابل تفکیک است. اول کمبودهایی که متوجه شاخص‌هایی است که در حال حاضر گزارش می‌شوند و دوم شاخص‌هایی که علی‌رغم اهمیت در پایش‌های جهانی فقرآموزشی و اهمیت تأثیر آن‌ها در فقرآموزشی مورد غفلت نظام آموزشی قرار می‌گیرند. مهم است که در اینجا به این نکته اشاره شود که در ایران گزارشگری چارچوب‌مندی از فقرآموزشی به صورت منظم و سالانه، با الگوی مشخص و استاندارد وجود ندارد.

۴-۱. ضعف محاسبه و گزارش‌دهی شاخص‌های موجود

بسیاری از شاخص‌های مورد اشاره در این گزارش، توسط وزارت آموزش و پرورش در سطوح استانی یا شهرستانی به صورت عمومی گزارش نمی‌شوند، مانند:

- نرخ باسوادی افراد بالغ
- میانگین نمرات کتبی دروس نهایی
- نرخ پوشش تحصیلی پیش از دبستان
- نرخ اتصال به شبکه ملی ارتباطات و اطلاعات
- نسبت مدارس مجهز به کارگاه رایانه
- نسبت کارکنان تخصصی
- نسبت کلاس‌های چندپایه

از طرفی، برخی از شاخص‌های مرتبط با فقرآموزشی نیز به‌طورکلی در هیچ سطحی گزارش نمی‌شوند، درحالی‌که دستگاه‌های متولی داده‌های مربوط به آن‌ها را به‌طور بالقوه در اختیار دارند، مانند:

- نرخ عدم برخورداری از مدرک ابتدایی
- نرخ عدم برخورداری از مدرک متوسطه دوم
- نرخ فقر کودکان
- نرخ عدم دسترسی تحصیلی والدین
- شعاع دسترسی
- شاخص تمرکز فقر



۴-۲. عدم اندازه‌گیری شاخص‌های مهم فقر آموزشی

لازم است، جدای از گزارش شاخص‌ها در سطوح بالا (ملی، استانی، شهرستانی)، شاخص‌های فقر آموزشی در سطح هر منطقه آموزشی، مدرسه و هر کد ملی محاسبه شوند. علاوه بر آن، برخی از شاخص‌های بسیار مهم و مفید که توسط مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز در سطح ملی برای ایران اندازه‌گیری می‌شوند - و امکان ارزیابی نظام آموزشی ایران از منظر جهانی را فراهم آورده‌اند - الگوی مناسبی برای رصد سالانه فقر آموزشی، در سطوح پایین‌تر و به صورت سرشمار (یا در سطح مدرسه) هستند که متأسفانه مورد توجه قرار نمی‌گیرند، از جمله:

- کم بهره‌مندی (تعداد دانش‌آموزانی که نمی‌توانند در آزمون‌های استاندارد حداقل نمره را کسب کنند).
- منابع یادگیری در خانه
- دوزبانه بودن کودک
- فعالیت‌های سوادآموزی پیش از دبستان

۵. جمع بندی و پیشنهادات

در مجموع، فقر آموزشی در ایران، در دو سطح دسترسی و بهره‌مندی وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهد. با وجود بهبود نرخ باسوادی، همچنان ۱۶ استان کشور پایین‌تر از متوسط جهانی هستند و نرخ تحصیلات در سطوح متوسطه دوم، بسیار پایین‌تر از کشورهای اتحادیه اروپا و حتی ترکیه است. علاوه بر آن، آموزش‌های کسب‌شده نیز، کیفیت لازم را نداشته و دانش‌آموزان ایرانی هم در مقطع دبستان و هم متوسطه، در پایین‌ترین رتبه در میان کشورهای مورد بررسی قرار دارند.

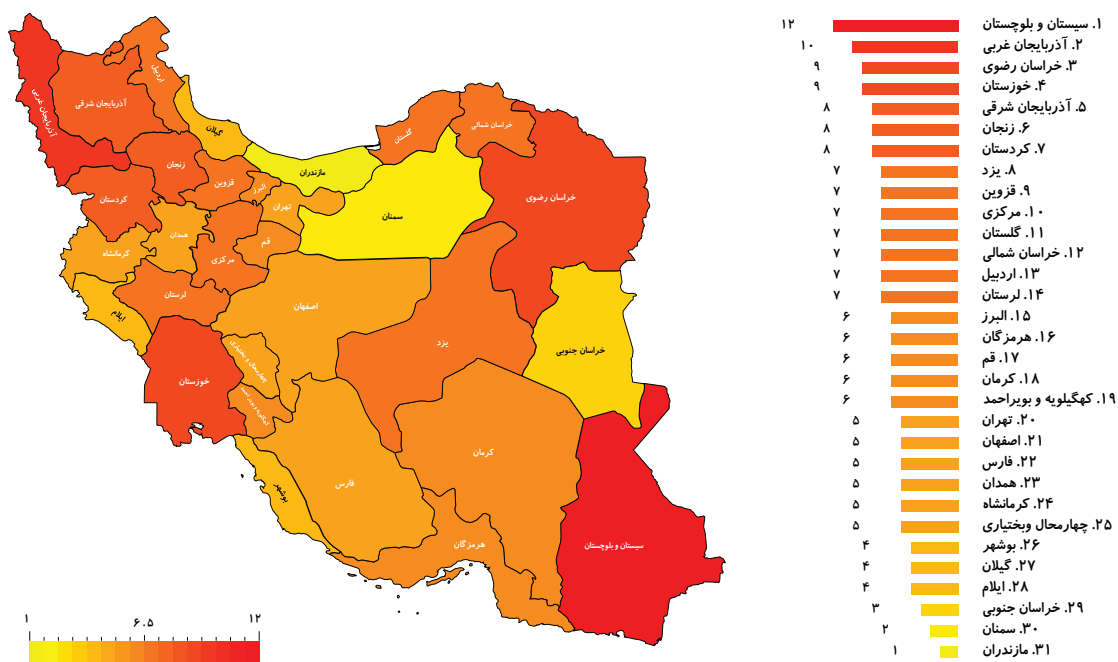
مهم‌ترین عوامل پایین بودن کیفیت آموزش در ایران را می‌توان در دو دسته عوامل زیر دانست:

- عوامل مرتبط با خانه: فقر خانوار و تحصیلات پایین والدین و نرخ پایین آموزش پیش از دبستان
- عوامل مرتبط با مدرسه: تراکم بالای دانش‌آموزان در کلاس و نسبت بالای دانش‌آموز به معلم

از همین رو، گسترش آموزش پیش از دبستان و ارتقای سطح کیفی مدرسه و به خصوص معلمان از الزامات است.

در رده بندی استانی نیز نابرابری در وضعیت آموزشی و برخورداری از امکانات آموزشی دیده می‌شود؛ در مجموع، از بین ۱۴ شاخص (شاخص‌های فقر آموزشی و شاخص‌های عوامل مؤثر بر فقر آموزشی)، استان سیستان و بلوچستان در ۱۲ شاخص وضعیت بدتری از میانگین کشوری دارد و پس از آن استان‌های آذربایجان غربی، خراسان رضوی و خوزستان به ترتیب با اعداد ۱۰، ۹ و ۹ قرار دارند. در انتهای جدول نیز استان‌های مازندران و سمنان قرار دارند که بر اساس این رتبه بندی، وضعیت بهتری نسبت به سایر استان‌های کشور دارند.

شکل ۱. رتبه بندی استان‌ها از منظر شاخص‌های فقر آموزشی و عوامل مؤثر بر آن



با توجه به ضعف‌های شناسایی شده - چه در حوزه شناسایی فقر و چه در حوزه عملکرد از منظر شاخص‌های موجود - اقدامات زیر ضروری است:

- بازنگری در شاخص‌های مرتبط با عملکرد «ستاد آموزش و پرورش» توسط سازمان اداری و استخدامی با تأکید بر موضوع فقر آموزشی و برش‌های جغرافیایی مختلف.
- ارائه شاخص‌های مرتبط با «سازمان توسعه و نوسازی مدارس» توسط سازمان اداری و استخدامی به صورت نرخ مطلق (و نه صرفاً نرخ رشد) با تأکید بر شاخص‌های ذیل مسئله فقر آموزشی.
- بازنگری در نشانگرهای ارزشیابی وزارت آموزش و پرورش با تأکید بر دو عنوان کلی «شاخص‌های فقر آموزشی» و «عوامل مؤثر بر فقر آموزشی» و ارائه گزارش تفصیلی سالانه از آن‌ها.
- لزوم توجه به و استفاده از چارچوب پایش‌های استاندارد بین‌المللی مانند «تیمز و پرلز» و «PISA».
- ارائه داده‌های آموزشی کودک و خانوار جهت بهبود داده‌های خانوار کودک در پایگاه رفاه ایرانیان با هدف بهبود سیاست‌های حمایتی.
- گردآوری داده‌های مرتبط با وضعیت معلمان و دانش‌آموزان به تفکیک هر مدرسه و رتبه‌بندی مدارس از منظر دو شاخص فقر پولی دانش‌آموزان و کیفیت معلمان و اتخاذ سیاست‌های متناسب با هر کدام.
- برگزاری آزمون‌های سراسری در پایان هر یک از مقاطع تحصیلی دبستان و متوسطه اول به منظور سنجش عملکرد.
- هدف‌گذاری برای بهبود کیفیت و افزایش نمرات دانش‌آموزان در آزمون‌های استاندارد داخلی و بین‌المللی.
- بازنگری در شیوه جذب معلمان و توجه بیشتر به توانایی و صلاحیت آموزشی معلمان به جای سایر استانداردهای گزینشی.
- هدف‌گذاری و ارائه برنامه مشخص برای دستیابی به اهداف تعیین شده برای بهبود شاخص‌های مرتبط با مدرسه و کلاس.
- تقویت آموزش‌های پیش از دبستان و اجباری بودن پیش‌دبستان در کلیه نقاط کشور.
- لزوم توجه بیشتر به دانش‌آموزانی که منابع کمی برای یادگیری و آموزش در خانه دارند (برای مثال به‌کارگیری همیار معلم در مدرسی که شاخص «کمبود منابع یادگیری در خانه» برای آن‌ها بالاست).

جعبه توضیحات: برخی مواد قانونی در خصوص اختیارات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

- با استناد به بند ب و ط و م ماده ۱۶ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی: از اختیارات وزارت رفاه
- ب: ایجاد هماهنگی و تعامل برنامه‌های نظام جامع تأمین اجتماعی با برنامه‌های جامع قلمروهای اشتغال، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، مسکن و سایر بخش‌های مرتبط.
 - ط: ساماندهی و مدیریت اجرایی نظام هدفمند یارانه‌های اجتماعی و جهت‌دهی آن به سوی افراد و خانواده‌های نیازمند با رویکرد خوداتکائی و اشتغال در چارچوب قانون و سیاست‌های کلی نظام.
 - م: تشکیل پایگاه اطلاعاتی نظام جامع تأمین اجتماعی به منظور جمع‌آوری و پردازش اطلاعات مربوط و تعیین شاخص‌های ذی‌ربط در حوزه‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی.
- با استناد به تبصره ۱ ماده ۱۱ قانون ساختار جامع رفاه و تأمین اجتماعی:
- هرگونه استفاده از منابع نظام تأمین اجتماعی اعم از منابع عمومی و یارانه‌ها در حوزه‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی برای دستگاه‌های اجرایی دولتی، عمومی، صندوق‌ها و نهادهای غیردولتی، خارج از قلمرو این نظام تحت هر عنوان و برای هر منظور ممنوع است و استفاده از این منابع مستلزم پذیرش نظارت و راهبری کلان وزارت رفاه و تأمین اجتماعی است.

پیشنهاد مصوبه قانونی زیر برای تصویب در شورای عالی رفاه:

- به منظور رصد سالیانه و به تفکیک مناطق جغرافیایی فقرآموزش در کشور و همچنین لزوم رعایت سهم دهک‌های پایین درآمدی از سیاست‌های بخشی، کمیته‌ای متشکل از وزارت آموزش و پرورش، سازمان اداری و استخدامی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ذیل شورای عالی رفاه تشکیل می‌گردد. وظایف این کمیته به شرح زیر است:
- تعیین شاخص‌های فقرآموزش و ابلاغ از سوی سازمان اداری استخدامی و طرح شهید رجایی جهت احصای فقر در حوزه آموزش.
 - تعیین شاخص‌هایی به منظور پایش مستمر سهم گروه‌های مختلف از سیاست‌های حوزه آموزش.
- تبصره: اختصاص هرگونه منابع حمایتی به بخش آموزش تنها به منظور صرف برای بهبود یک یا چند شاخص سنجش فقرآموزش مصوب کمیته فوق امکان‌پذیر خواهد بود.



پیشنهاد عقد تفاهم‌نامه بین وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش:

به منظور رصد مستمر وضعیت فقر آموزشی کودکان در کشور و میزان برخورداری کودک و خانوار از خدمات حمایتی با مرکزیت مدرسه، با توجه به اولویت‌بندی‌های گروه‌های هدف سیاست‌های حمایتی، تفاهم‌نامه همکاری بین دو وزارتخانه به شرح زیر عقد خواهد شد:

- وزارت آموزش و پرورش مکلف است داده‌ها و اطلاعات درخواستی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خصوص شاخص‌های سنجش فقر آموزش را به تفکیک کد ملی در اختیار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار دهد.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است سالیانه با استفاده از پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان، اقدام به شناسایی وضعیت درآمدی خانوارهای دانش‌آموزان کرده و گروه‌های دارای اولویت حمایت مالی را در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار دهد.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است شاخص سنجش تمرکز فقر در مدارس را محاسبه کرده و از این طریق مدارس دارای اولویت برای حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی را مشخص سازد.

منابع

- سازمان اداری-استخدامی (۱۳۹۸). سامانه نتایج ارزیابی عملکرد دولت.
- عراقی، سید مهدی و حاتمی، سید اکبر (۱۳۹۱). بررسی مشکلات سوادآموزی دانش آموزان دوزبانه در مقطع ابتدایی، همایش ملی دوزبانگی (چالش‌ها و راهکارها)، شازند <https://civilica.com/doc/230211>
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۸). سالنامه آماری.
- مفیدی، فرخنده (۱۳۸۸). تأثیر فعالیت‌های دوره پیش دبستانی بر رشد زبان گفتاری دانش آموزان پایه اول ابتدایی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال ۳، شماره ۱۰.
- Allmendinger, J. & Leibfried, S. (2003). Education and the welfare state: the four worlds of competence production. *Journal of European Social Policy*, 13(1), 63–81.
- Banerji, R. (2000). Poverty and primary schooling: field studies from Mumbai and Delhi. *Economic and political weekly*, 795–802.
- Coleman, J. S. Cambell, E. Q. Hobson, C. S McPartland, J. Mood, A. M. Weinfeld, F. D. York, R. L. (1966). *Equality of Educational Opportunity*. Washington, D.C.: U.S. Department of Health, Education and Welfare.
- European commission. (2015). *Education and training monitor*. Luxembourg: Publications Office of the European Union.
- Kennedy, M. M. Jung, R. K. and Orland, M.E. (1986). *Poverty, Achievement and the Distribution of Compensatory Education Services*. Washington, D.C.: U.S. Department of Education.
- Lohmann, H. & Florian, F. (2014). *Educational poverty in a comparative perspective: Theoretical and empirical implications*.
- National Center for Education Statistics (2021). *Characteristics of Children's Families*, Washington, D.C.
- Sustainable Development Goals (2015). *Goals 4: Quality Education*, New York.
- Tilak, J. (2018). *Education poverty in India*. In *Education and development in India* (pp. 87–162). Singapore: Palgrave Macmillan.
- Timss and Pirls center (2019). *Timss 2019*, Amsterdam.
- World Bank. (1994). *Poverty reduction in south asia*. Washington DC.

پیوست ۱- شاخص‌های سازمان‌ها و نهادهای داخلی و خارجی در بخش آموزش

در اینجا به مهم‌ترین شاخص‌های خارجی و داخلی در حوزه آموزش که به طور عمده در صحنه بین‌الملل در کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد و در داخل در طرح ارزیابی عملکرد توسط سازمان اداری-استخدامی تجلی یافته‌اند، اشاره می‌شود:

شاخص‌های توسعه پایدار (SDG)

ذیل آرمان چهارم اهداف توسعه پایدار (حصول اطمینان از آموزش جامع با کیفیت مساوی و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه) اهداف و شاخص‌های زیر تعریف شده است:

● هدف ۴-۱: تا سال ۲۰۳۰ حصول اطمینان از اینکه همه دختران و پسران به طور رایگان و عادلانه تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تکمیل کنند که منجر به یادگیری مرتبط و مؤثر می‌شود.

۵ شاخص ۴-۱-۱: نسبت کودکان و جوانان در دستیابی به حداقل سطح مهارت در خواندن و ریاضیات: درصدی از کودکان و جوانان در کلاس‌های دوم یا سوم در آموزش ابتدایی، در پایان تحصیلات ابتدایی و پایان تحصیلات متوسطه که توانسته‌اند حداقل سطح مهارت را در خواندن و ریاضیات را کسب کرده‌اند.

۵ شاخص ۴-۱-۲: نرخ تکمیل، براساس جنسیت، محل، پنجک ثروت و سطح تحصیلات: درصد گروهی از کودکان یا جوانان در سنی با ۳ تا ۵ سال بالاتر از سن مورد نظر برای آخرین پایه هر سطح از تحصیل که آن سطح را گذرانده‌اند.

● هدف ۴-۲: تا سال ۲۰۳۰ اطمینان حاصل شود که همه دختران و پسران به کیفیت نمودی اوایل دوران کودکی، مراقبت و آموزش پیش دبستانی دست یابند به نحوی که برای ورود به مقطع ابتدایی آماده باشند.

۵ شاخص ۴-۲-۱: نسبت کودکان زیر ۵ سال که از نظر سلامتی، یادگیری و رفاه جسمی در حال پیشرفت هستند که در حال حاضر با نسبت کودکان ۳۶-۵۹ ماهه که حداقل در سه حیطة زیر پیشرفت دارند: سوادآموزی، رشد جسمی، رشد اجتماعی-عاطفی و یادگیری اندازه‌گیری می‌شود. نسبت کودکان زیر ۵ سال که از نظر رشد، سلامتی، روانی و روانی در حال پیشرفت هستند، با درصد کودکان ۳۶-۵۹ ماهه که از نظر رشد در حداقل سه مورد زیر هستند، اندازه‌گیری می‌شود چهار حوزه: سوادآموزی، جسمی، اجتماعی-عاطفی و یادگیری.

۵ شاخص ۴-۲-۲: نرخ مشارکت در یادگیری سازمان یافته (یک سال قبل از سن ورود رسمی ابتدایی)، به تفکیک جنسیت.

● هدف ۴-۳: تا سال ۲۰۳۰، اطمینان حاصل شود که همه زنان و مردان به آموزش برابر فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی -از جمله دانشگاه- با صرفه و با کیفیت دسترسی داشته باشند.

۵ شاخص ۴-۳-۱: نرخ مشارکت جوانان و بزرگسالان در آموزش و آموزش رسمی و غیررسمی در ۱۲ ماه گذشته،

براساس جنسیت.

● هدف ۴-۴: تا سال ۲۰۳۰، تعداد جوانان و بزرگسالانی که مهارت‌های مرتبط، از جمله مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، برای اشتغال، مشاغل مناسب و کارآفرینی را دارند، به طور قابل توجهی افزایش یابد.

○ شاخص ۴-۴-۱: نسبت جوانان و بزرگسالان با مهارت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، براساس نوع مهارت

● هدف ۴-۵: تا سال ۲۰۳۰، تبعیض جنسیتی در آموزش از بین برود و از دسترسی برابر به همه سطوح آموزش و حرفه‌آموزی برای افراد آسیب‌پذیر، از جمله افراد دارای معلولیت، بومیان و کودکان در موقعیت‌های آسیب‌پذیر اطمینان حاصل شود.

○ شاخص ۴-۵-۱: شاخص‌های برابری (زن/مرد، روستایی/شهری، پنجک ثروت پایین/بالا و سایر موارد مانند وضعیت معلولیت، بومیان و درگیری، با در دسترس بودن داده‌ها) برای همه شاخص‌های آموزشی این لیست که می‌توانند تفکیک شوند.

● هدف ۴-۶: تا سال ۲۰۳۰ اطمینان حاصل شود که همه جوانان و نسبت قابل توجهی از بزرگسالان، اعم از زن و مرد، به سواد و قابلیت کار با اعداد دست پیدا کنند.

○ شاخص ۴-۶-۱: نسبت جمعیت در یک گروه سنی معین که حداقل به یک سطح تعیین شده از تخصص در مهارت‌های کار با اعداد و سواد عملکردی، براساس جنسیت دست می‌یابند.

● هدف ۴-۷: تا سال ۲۰۳۰، اطمینان حاصل شود که همه فراگیران، دانش و مهارت‌های لازم برای ارتقا توسعه پایدار را کسب کنند، از جمله ترویج آن به دیگران، از طریق آموزش برای توسعه پایدار و سبک‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، برابری جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و غیر خشونت‌آمیز، شهروندی جهانی و تکریم تنوع فرهنگی و کمک فرهنگ به توسعه پایدار.

○ شاخص ۴-۷-۱: میزانی که آموزش شهروندی جهانی و آموزش برای توسعه پایدار در سیاست‌های ملی آموزش و پرورش، برنامه‌های تحصیلی، آموزش معلم؛ و سنجش دانشجو جریان دارد.

● هدف a-۴ - ایجاد و ارتقا امکانات آموزشی حساس به [نیازهای خاص] کودک، معلولیت و جنسیت و ایجاد محیط‌های یادگیری ایمن، بدون خشونت، فراگیر و محیط یادگیری مؤثر برای همه.

● شاخص ۱-a-۴: نسبت مدرسی که به: (الف) برق (ب) اینترنت برای اهداف آموزشی؛ (ج) رایانه برای اهداف آموزشی؛ (د) زیرساخت‌ها و مواد سازگار برای دانشجویان معلول؛ (ه) آب آشامیدنی؛ (و) امکانات بهداشتی تک جنسیتی و (g) امکانات اولیه شستشوی دست دسترسی دارند.

● هدف b-۴: تا سال ۲۰۲۰، گسترش قابل توجه تعداد بورس‌های تحصیلی در سطح جهانی برای کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای کم‌تر توسعه یافته، ایالات در حال توسعه جزایر کوچک و کشورهای آفریقایی، برای ثبت نام در آموزش عالی، از جمله آموزش حرفه‌ای و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، فنی و مهندسی و برنامه‌های



علمی، در کشورهای پیشرفته و سایر کشورهای در حال توسعه.

o شاخص ۱-b-۴: حجم جریان ODA برای بورس‌های تحصیلی به تفکیک بخش و نوع مطالعه.

● هدف c-۴: افزایش قابل توجه تأمین معلمان واجد شرایط، از جمله از طریق همکاری‌های بین‌المللی برای آموزش معلمان در کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته و ایالت‌های در حال توسعه جزایر کوچک تا سال ۲۰۳۰.

o شاخص ۱-c-۴: درصدی از معلمان در مقاطع تحصیلی مختلف که حداقل آموزش معلمی سازمان یافته ضمن خدمت مورد نیاز برای تدریس در سطوح مربوطه در یک کشور را دریافت کرده‌اند.

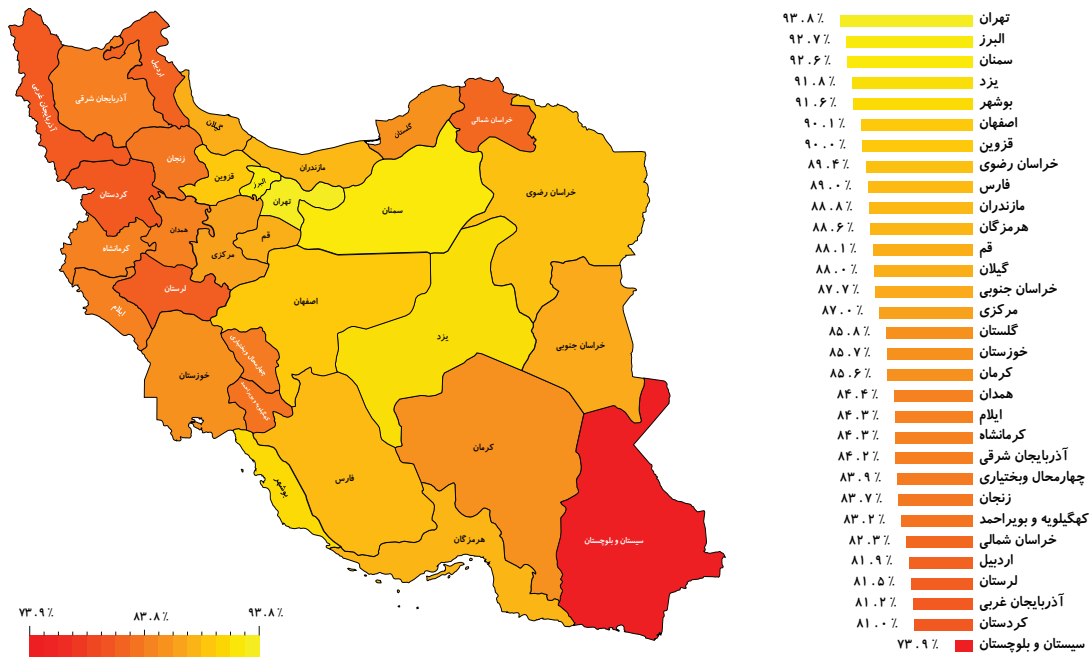
شاخص‌های اختصاصی ارزیابی عملکرد وزارت آموزش و پرورش (سازمان اداری و استخدامی کشور)

سازمان اداری و استخدامی کشور به استناد فصل ۱۱ قانون مدیریت خدمات کشوری (آیین‌نامه اجرایی مواد ۸۱ و ۸۲ قانون مدیریت خدمات کشوری به شماره ۴۴۳۲۷/۴۲۲۵ تاریخ ۱۳۸۹/۱/۱۴) در دو بعد شاخص‌های عمومی و اختصاصی، عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور را از طریق سامانه جامع مدیریت عملکرد دولت مورد ارزیابی قرار می‌دهد و هم‌زمان با هفته دولت، در جشنواره شهید رجایی که با حضور ریاست محترم جمهور و دیگر مقامات کشوری و لشکری برگزار می‌شود، از دستگاه‌های برتر تقدیر به عمل می‌آورد. از این روی، سازمان در راستای شفاف‌سازی و آگاهی بخشی نسبت به حقوق و تکالیف متقابل مردم و نظام اداری با تأکید بر دسترسی آسان و ضابطه‌مند مردم به اطلاعات صحیح به منظور افزایش اعتماد عمومی و در اجرای تکالیف قانونی خود در چارچوب اسناد بالادستی موجود همچون بند ۱۸ سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی مقام معظم رهبری، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، ماده ۳۰ منشور حقوق شهروندی، بندهای ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۲۰ اولویت‌های تخصصی ابلاغی رئیس جمهور محترم در حکم رئیس محترم سازمان اداری و استخدامی کشور و هم‌چنین اقدام «تدوین و استقرار نظام نظارت مردم و تشکل‌ها بر عملکرد و خدمات دولتی و ارائه گزارش سالانه» از برنامه دهم جامع اصلاح نظام اداری دوره دوم (۱۳۹۹-۱۳۹۷) اقدام به «انتشار گزارش عملکرد سال ۱۳۹۸ دستگاه‌های اجرایی کشور» در قالب سامانه نتایج ارزیابی عملکرد دولت، نموده است.

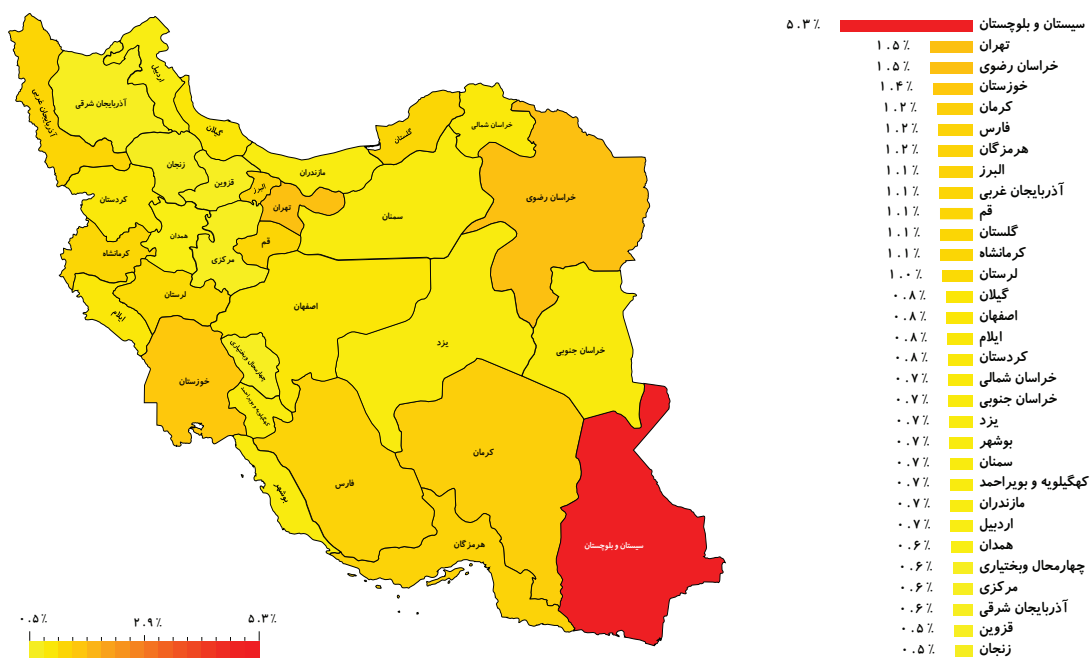
در مورد نظام آموزشی نیز این سازمان شاخص‌هایی را با توجه به مستندات قانونی مختلف، تعیین و معیار ارزیابی عملکرد قرار داده است. شاخص‌های ارزیابی وزارت آموزش و پرورش در سه گروه کلی شاخص‌های مربوط به «سازمان توسعه و نوسازی مدارس»، «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» و «ستاد آموزش و پرورش» دسته‌بندی شده است که به دلیل تعداد بالای آن‌ها در این پیوست آورده نشده‌اند و خواننده می‌تواند به تارنمای سازمان اداری-استخدامی مراجعه کند.

پیوست ۲- نقشه‌های استانی بر اساس شاخص‌های فقر آموزشی و عوامل مؤثر بر فقر آموزشی

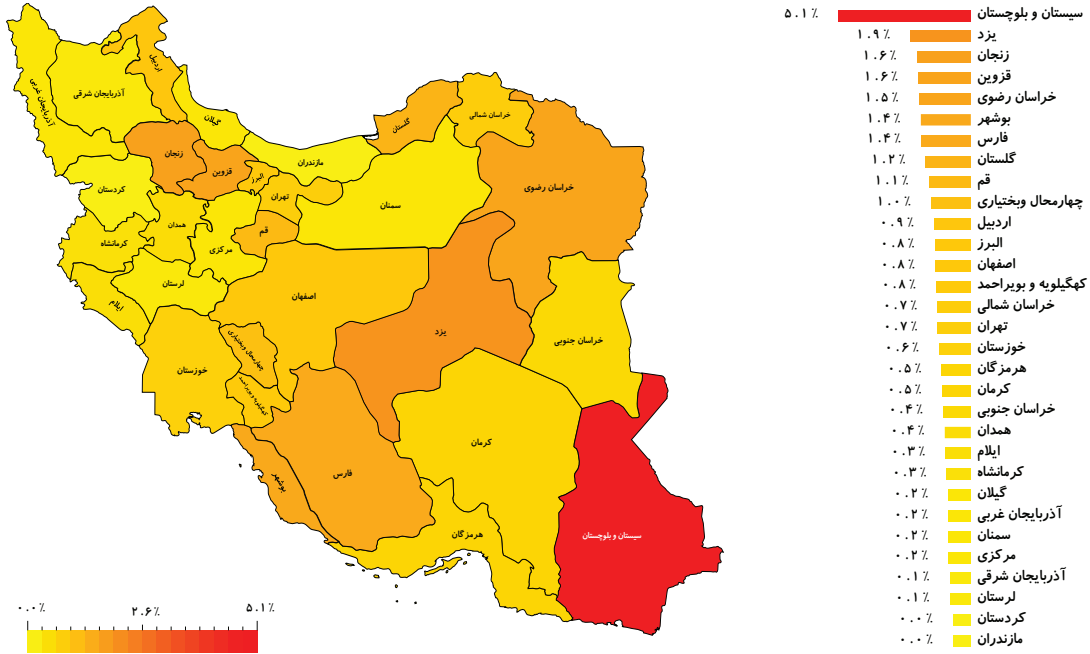
شکل ۲: نرخ باسوادی افراد ۱۵ سال و بالاتر (۱۳۹۸) / سازمان اداری و استخدامی



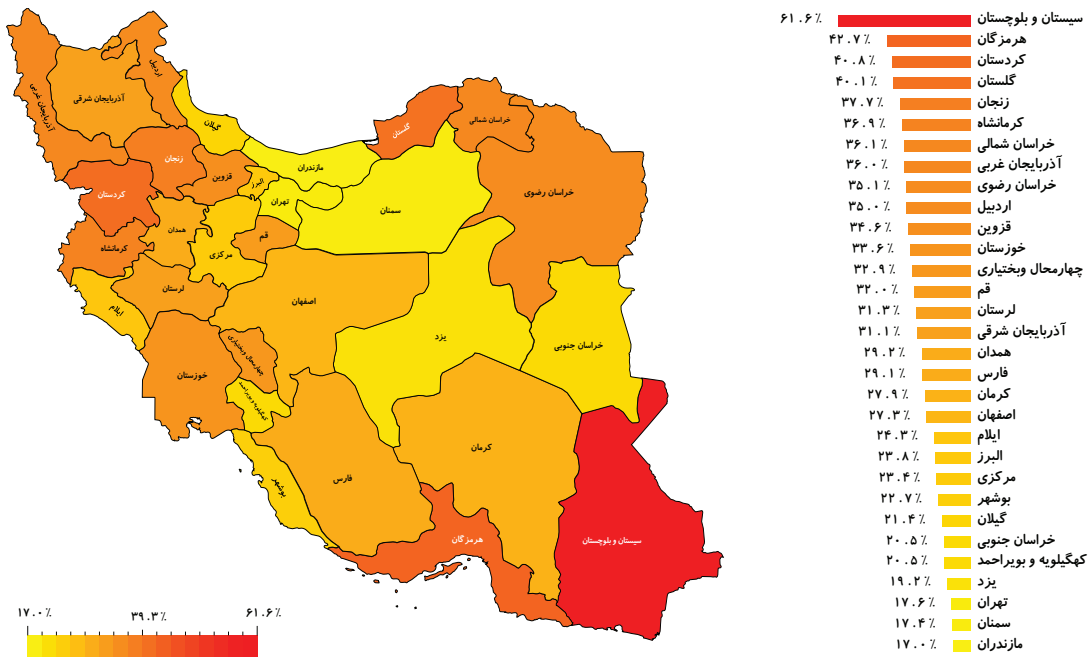
شکل ۳: نرخ بازماندگی کودکان ۶-۱۱ سال (۱۳۹۷-۱۳۹۸) / معاونت رفاه



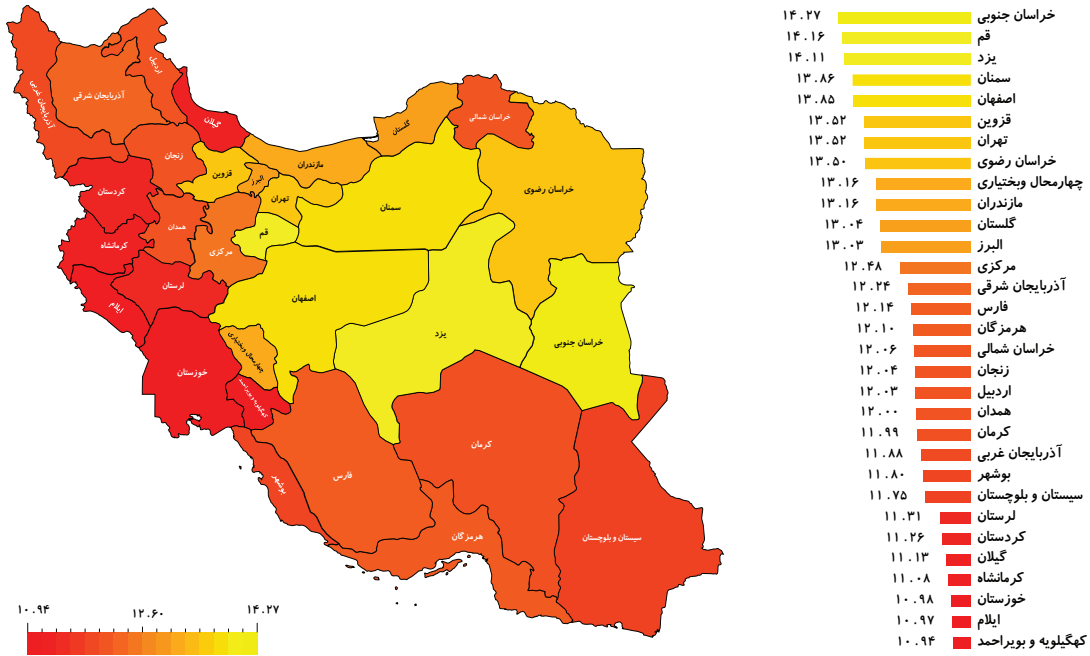
شکل ۴. نرخ عدم بر خور داری از مدرک ابتدایی افراد ۱۲-۱۷ سال (۱۳۹۸) / داده‌های هزینه-درآمد خانوار



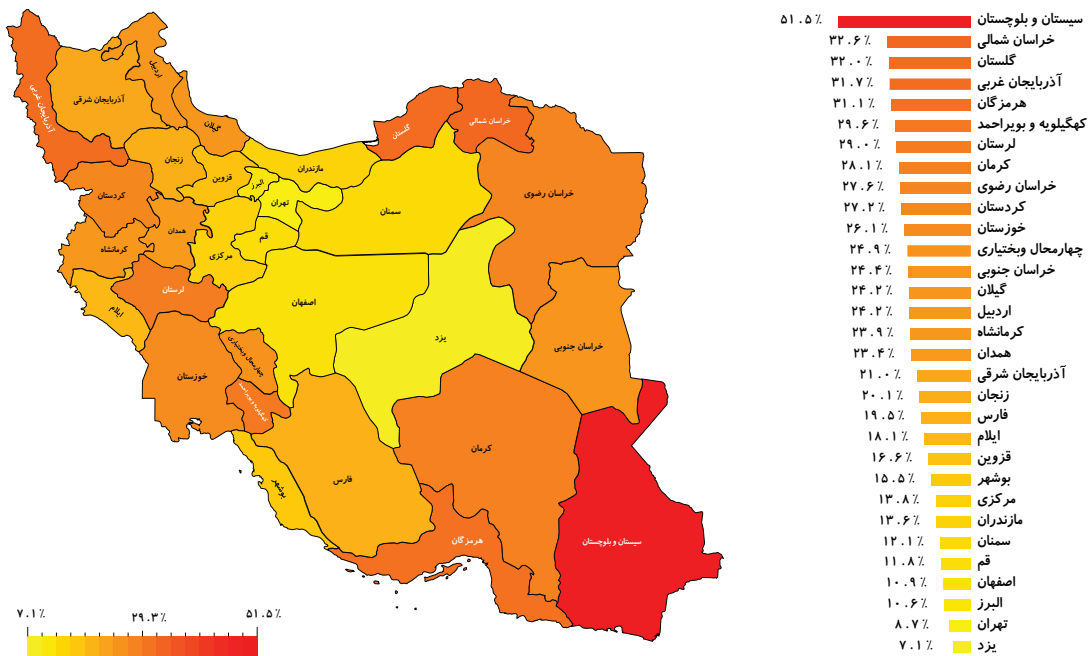
شکل ۵. نرخ عدم بر خور داری از مدرک متوسطه دوم افراد ۱۸-۲۴ سال (۱۳۹۸) / داده‌های هزینه-درآمد خانوار



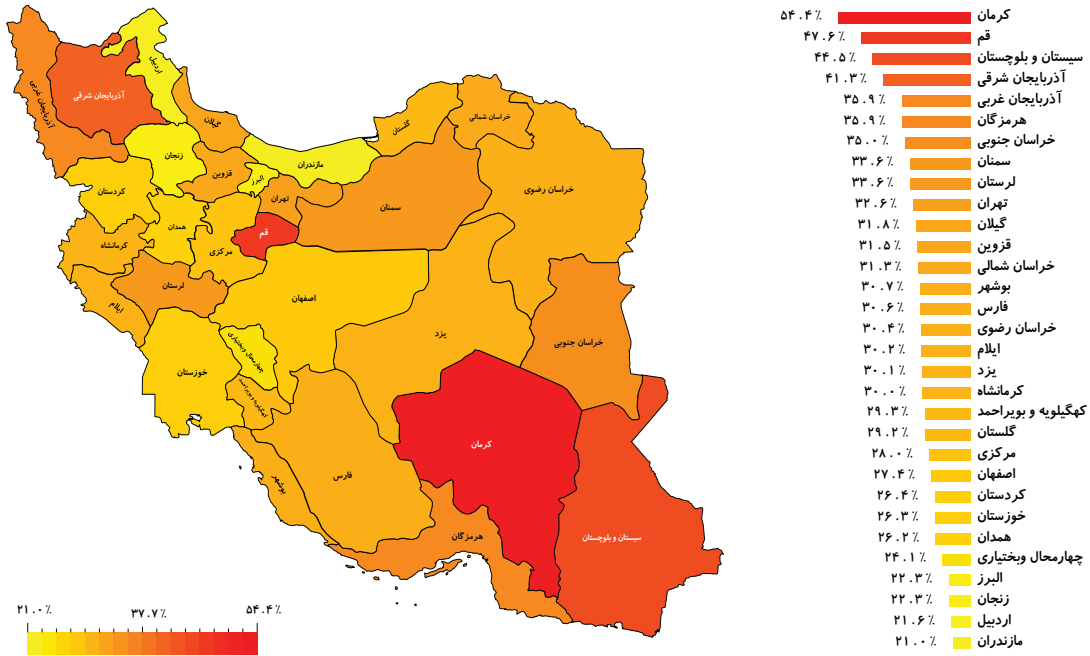
شکل ۶. میانگین نمرات آزمون‌های نهایی (سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸) / وزارت آموزش و پرورش



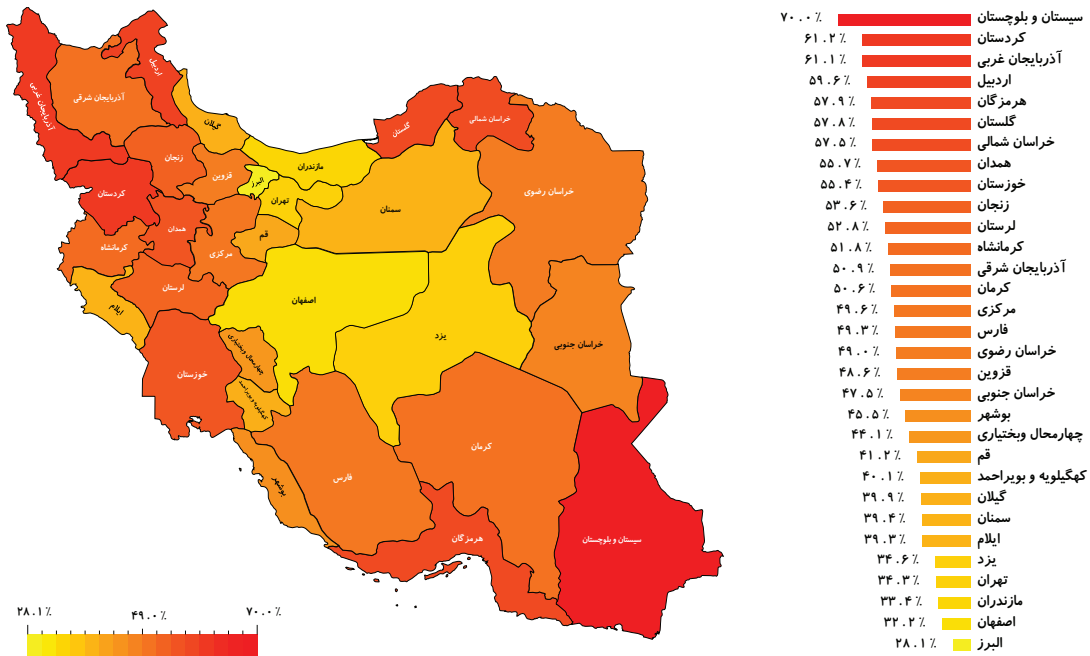
شکل ۷. نرخ فقر کودکان ۱۳۹۹ (شاخص فقر پایگاه) / داده‌های پایگاه رفاه ایرانیان



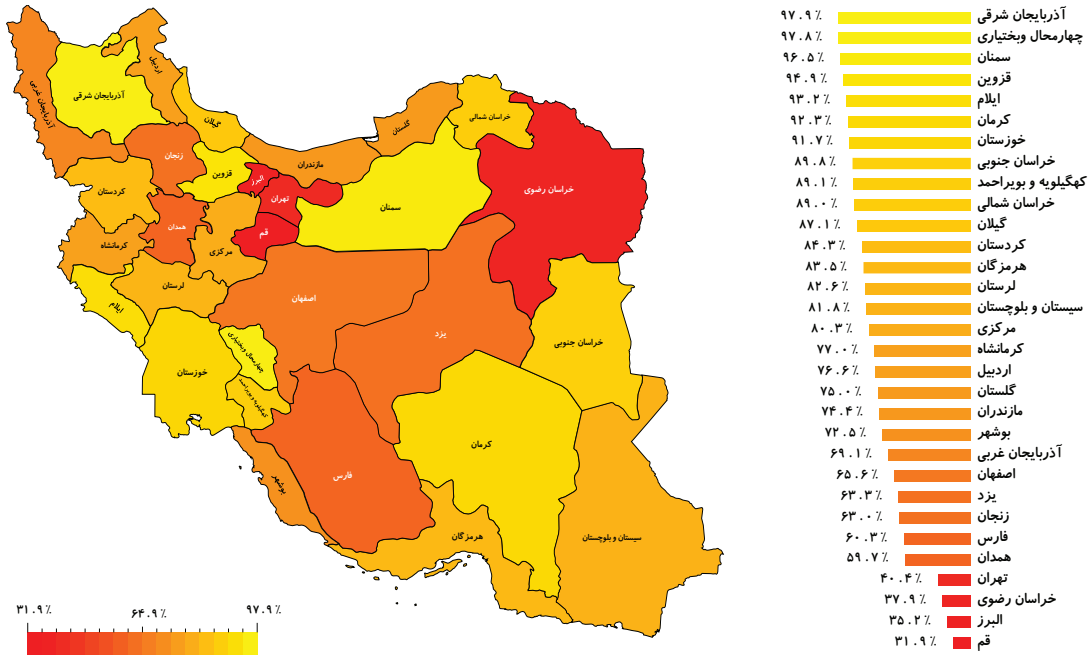
شکل ۸. نرخ فقر کودکان ۱۳۹۸ (شاخص فقر مرکز پژوهش‌های مجلس) / هزینه-درآمد خانوار



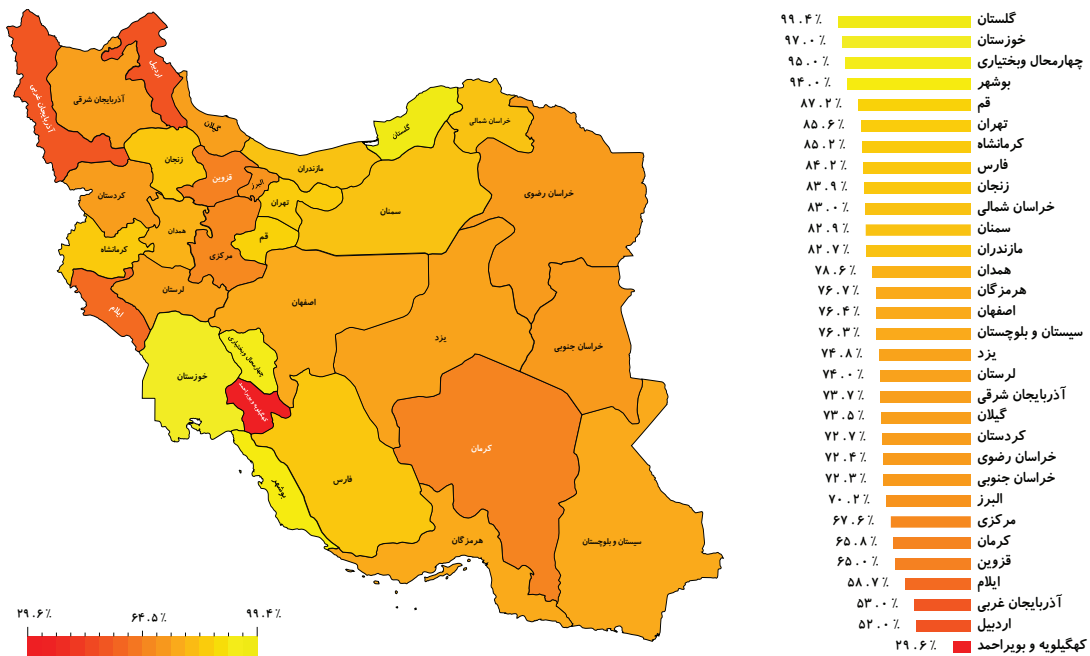
شکل ۹. شاخص عدم دسترسی تحصیلی والدین (۱۳۹۸) / داده‌های هزینه-درآمد خانوار



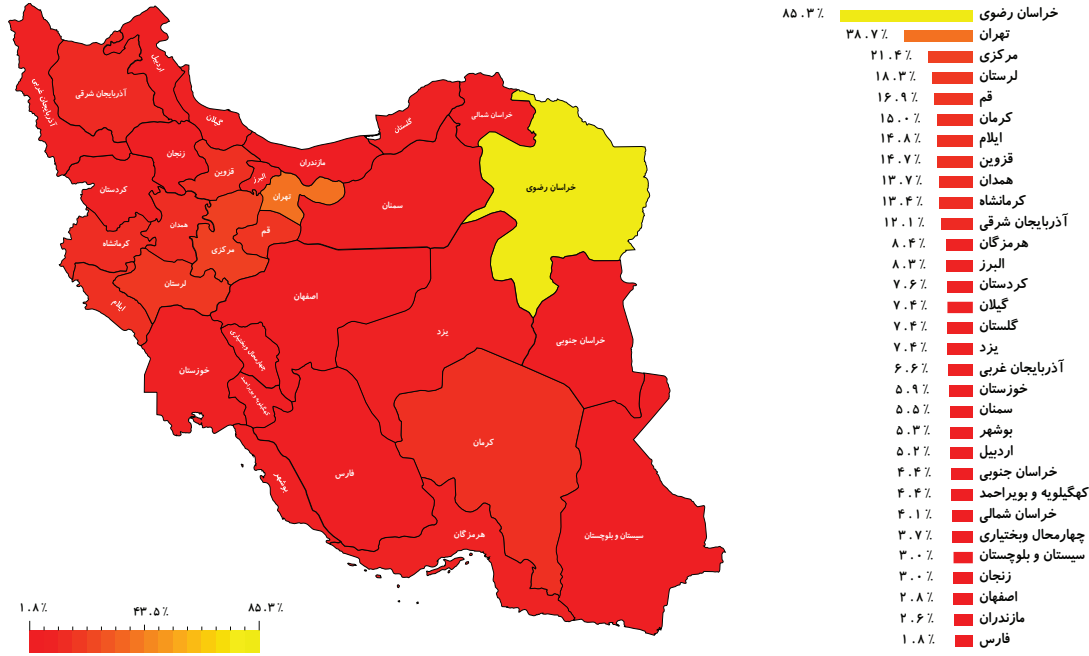
شکل ۱۰. نرخ پوشش پیش دبستان (۱۳۹۸) / سازمان اداری-استخدامی



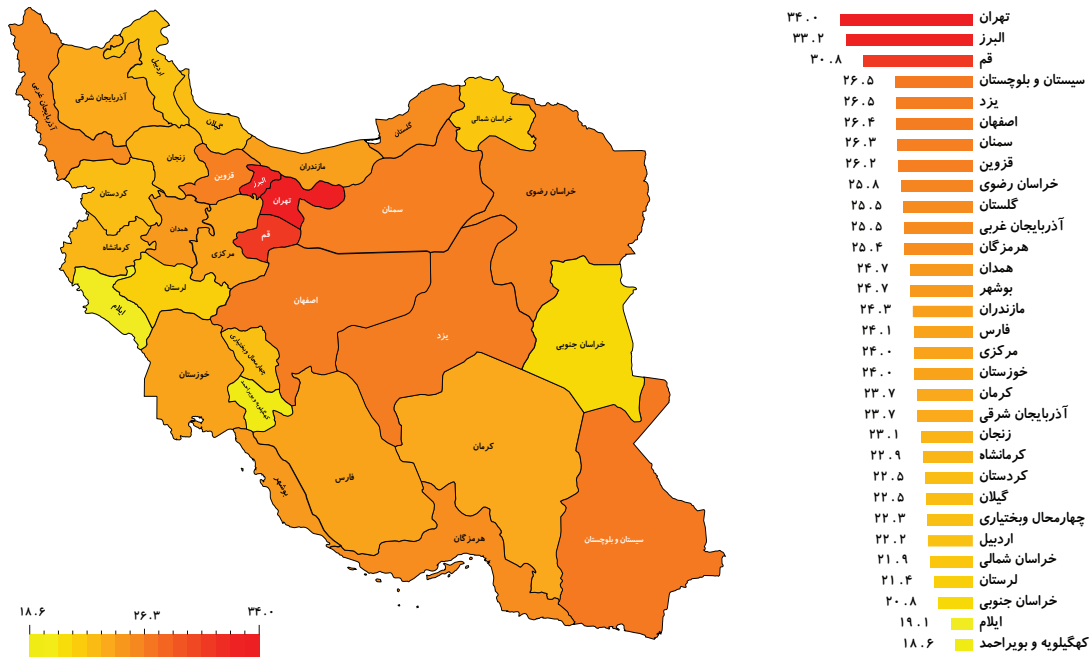
شکل ۱۱. نرخ اتصال به شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (۱۳۹۸) / سازمان اداری-استخدامی



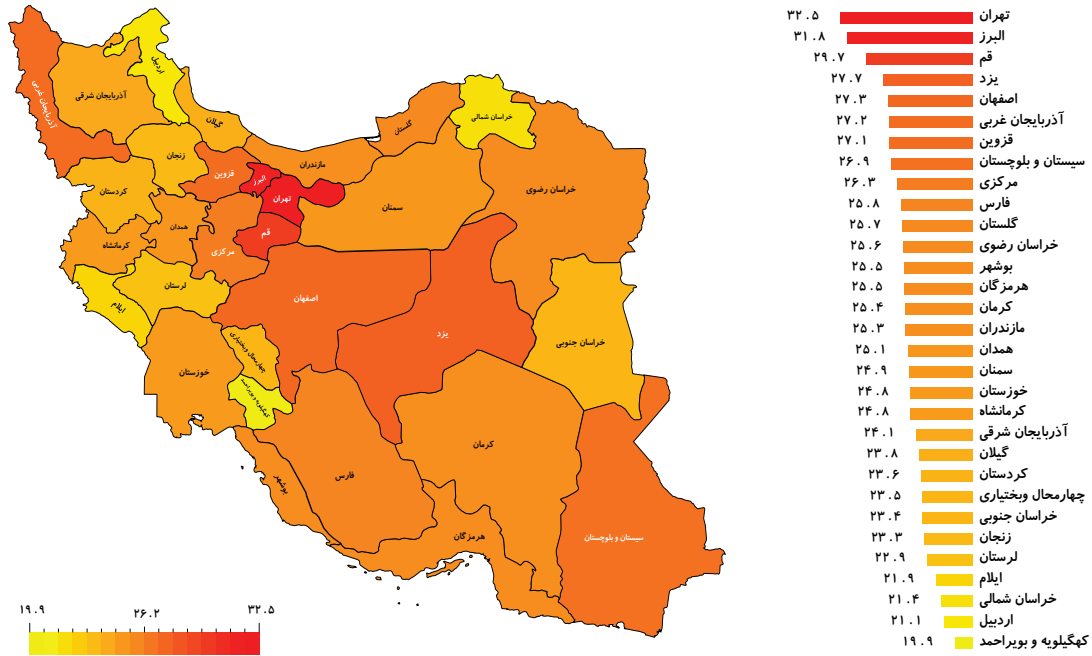
شکل ۱۲. نسبت مدارس مجهز به کارگاه رایانه (۱۳۹۸) / سازمان اداری-استخدامی



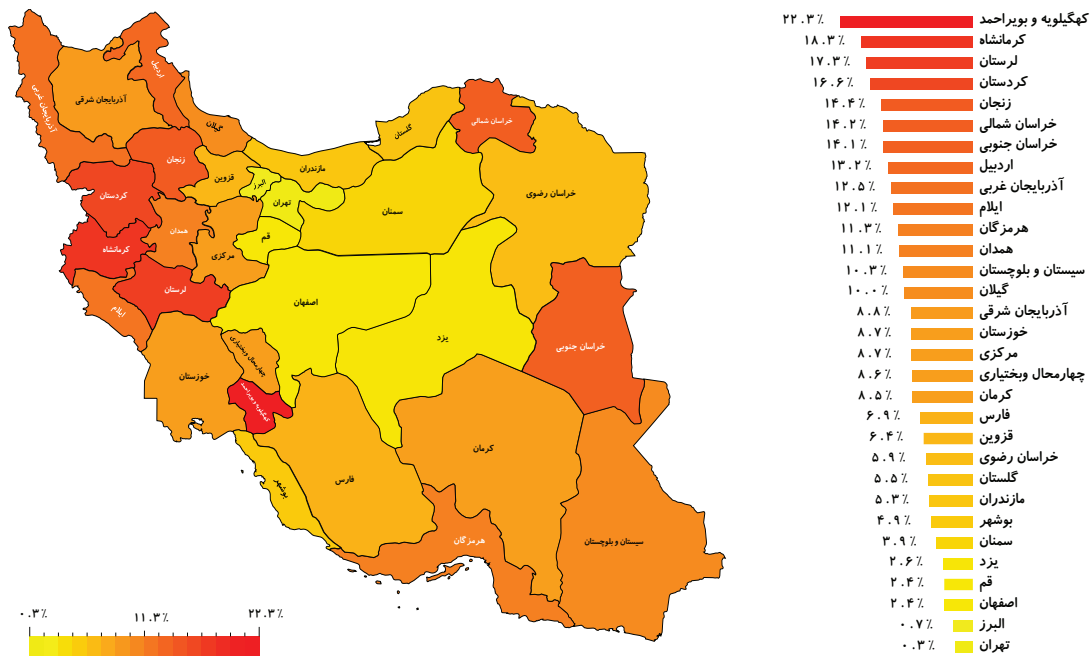
شکل ۱۳. شاخص تراکم کلاس مقطع ابتدایی (۱۳۹۸) - نفر/ سالنامه آماری



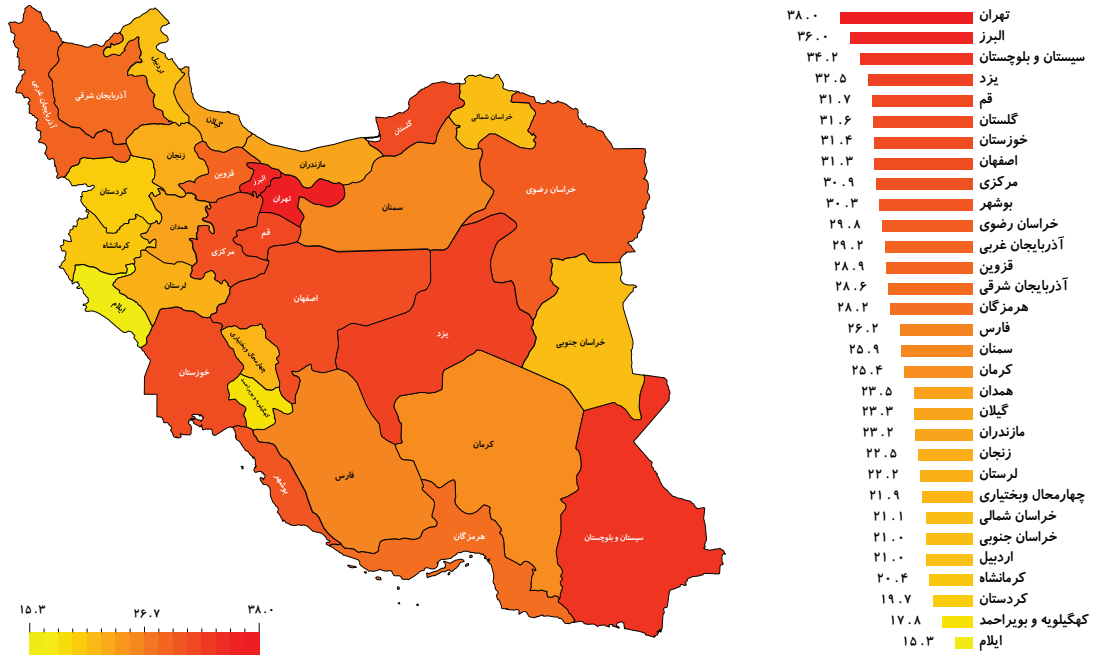
شکل ۱۴. شاخص تراکم کلاس مقطع متوسطه اول (۱۳۹۸) - نفر/ سالنامه آماری



شکل ۱۵. نسبت کلاس های چندپایه (۱۳۹۸) / سازمان اداری-استخدامی



شکل ۱۶. نسبت دانش‌آموز به معلم (۱۳۹۸) - نفر/ سالنامه آماری



گزارش‌های منتشر شده معاونت رفاه اجتماعی

۱. وضعیت فقر و نابرابری در ایران در دوره ۸ ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (آذرماه ۹۲)
۲. نقدی برواگذاری بیمه‌های درمان به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ (دفتر بیمه‌های سلامت) (آذرماه ۹۲)
۳. نقدی برادغام سازمان‌های بیمه‌گر در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ تجربه سایر کشورها؛ (دفتر بیمه‌های سلامت) (آذرماه ۹۲)
۴. نقد و بررسی داده‌های سالنامه آماری در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ (دفتر امور آسیب‌های اجتماعی) (دیماه ۹۲)
۵. تحلیل محتوای اخبار آسیب‌های اجتماعی در رسانه‌ها؛ (دفتر امور آسیب‌های اجتماعی) (دیماه ۹۲)
۶. بررسی وضعیت طلاق در کشور بین سال‌های ۸۴ و ۹۱؛ (دفتر امور آسیب‌های اجتماعی) (دیماه ۹۲)
۷. نگاهی به گفتمان رهبر معظم انقلاب پیرامون سبک زندگی، تعاون و اقتصاد مقاومتی؛ (دفتر امور آسیب‌های اجتماعی) (دی ماه ۹۲)
۸. توانمندسازی خانوارهای ساکن در محله‌های فقیرنشین همگام با هدفمندسازی یارانه‌ها؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (بهمن ماه ۹۲)
۹. برنامه راهبردی کاهش فقر در ایران؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (اسفند ۹۲)
۱۰. طرح جامع ظرفیت‌سازی سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (اسفند ۹۲)
۱۱. برنامه یارانه خوراک در آمریکا (SNAP)؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (اسفند ۹۲)
۱۲. مشروط‌سازی دریافت یارانه نقدی به انجام آزمایشات رایگان پزشکی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (اردیبهشت ماه ۹۳)
۱۳. پتانسیل تحقق نیافته ایران، مخزن استعداد‌های بهره‌برداری نشده؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (خرداد ماه ۹۳)
۱۴. نگاهی به پدیده سوء مصرف مواد مخدر در ایران؛ (دفتر امور آسیب‌های اجتماعی) (خرداد ماه ۹۳)
۱۵. شکل‌گیری دولت رفاه و سرمایه‌داری هماهنگ در ژاپن و آلمان؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (تیرماه ۹۳)
۱۶. مشارکت اجتماعات محلی در شناسایی فقرا؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (تیرماه ۹۳)
۱۷. نگاهی به شاخص جهانی گرسنگی و وضعیت ایران؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (تیرماه ۹۳)
۱۸. طراحی پرسشنامه برای شناسایی خانوارهای فقیر؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مرداد ماه ۹۳)
۱۹. شاخص رشد و تکامل کودک ۲۰۱۲: پیشرفت‌ها، چالش‌ها و نابرابری؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مرداد ماه ۹۳)
۲۰. بررسی پدیده خودکشی در ایران؛ (دفتر امور آسیب‌های اجتماعی) (شهریورماه ۹۳)
۲۱. شاخص امنیت غذایی جهانی سال ۲۰۱۴؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (شهریورماه ۹۳)
۲۲. برنامه‌های حمایت اجتماعی در ترکیه؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهرماه ۹۳)
۲۳. اندازه‌گیری وسعت و اجزای فقر کودکان با روش فقر چند بعدی؛ (معاونت رفاه اجتماعی با همکاری سازمان بهزیستی کشور) (آبان ماه ۹۳)
۲۴. نقش سازمان اشتغال در خارج از کشور فیلیپین و مقررات استخدام و اشتغال کارگران در خارج از کشور؛ (معاونت رفاه اجتماعی با همکاری معاونت اشتغال و کارآفرینی) (آذرماه ۹۴)
۲۵. رتبه‌بندی سازمان بهزیستی از نظر شاخص‌های توانمندی زنان سرپرست خانوار کشور؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مرداد ماه ۹۳)
۲۶. اشتغال عمومی؛ راهکار مقابله با بیکاری در شرایط رکود تورمی؛ (معاونت رفاه اجتماعی با همکاری معاونت اشتغال و کارآفرینی) (اردیبهشت ماه ۹۴)



۲۷. برنامه مشاغل عمومی در آفریقای جنوبی؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (خرداد ماه ۹۴)
۲۸. حمایت اجتماعی در جهان: حمایت اجتماعی از کودکان؛ (دفتر بیمه‌های اجتماعی) (تیرماه ۹۴)
۲۹. بررسی شاخص موفقیت لگاتوم در سال ۲۰۱۴ و مقایسه وضعیت ایران با کشورهای منطقه؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهرماه ۹۴)
۳۰. بررسی شاخص پیشرفت اجتماعی در سال ۲۰۱۴؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (آبان ماه ۹۴)
۳۱. الزامات تدوین برنامه ششم توسعه؛ (دفتر بیمه‌های سلامت) (آبان ماه ۹۴)
۳۲. گزارش جهانی نشاط در سال ۲۰۱۳؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (دی ماه ۹۴)
۳۳. گزارش شاخص کیفیت زندگی در جهان در سال ۲۰۱۶؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (شهریورماه ۹۵)
۳۴. گزارش شاخص جهانی گرسنگی و وضعیت ایران در سال ۲۰۱۵؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهرماه ۹۵)
۳۵. تاریخچه ادغام و انتزاع بیمه‌ها از وزارت بهداشت؛ (دفتر بیمه‌های سلامت) (مهرماه ۹۵)
۳۶. بررسی اثرات اعمال معافیت‌های حق بیمه سهم کارفرمایی و نقد جایگاه آن در برنامه‌های توسعه؛ (دفتر بیمه‌های اجتماعی) (خردادماه ۹۵)
۳۷. شاخص توسعه کودک ۲۰۱۵؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (آذرماه ۹۵)
۳۸. گزارش توسعه زیرساخت‌های رفاهی در ایران طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۴؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (دی ماه ۹۵)
۳۹. طبقه بندی استاندارد رفاه اجتماعی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (آذرماه ۹۶)
۴۰. نظام نهادی تور ایمنی اجتماعی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (آذرماه ۹۶)
۴۱. سند راهبرد کاهش فقر پاکستان؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (خرداد ۱۳۹۷)
۴۲. چشم‌انداز اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۰، خلاصه گزارش صندوق بین‌المللی پول، منتشر شده در آوریل ۲۰۲۰ (اردیبهشت ۱۳۹۹)
۴۳. وضعیت رفاه و مصرف خانوارهای ایرانی در سال ۱۳۹۸ و ضرورت اصلاحات اقتصادی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (اسفند ۱۳۹۸)
۴۴. تبیین و تحلیل فقر و نابرابری در بخش مالی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهرماه ۱۳۹۹)
۴۵. عدالت آموزشی در ایران؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (بهار ۱۳۹۹)
۴۶. تحلیل سیاست‌گذاری آموزش در ایران با تأکید بر عدالت آموزشی؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (بهار ۱۳۹۹)
۴۷. کتاب راهنمای برنامه ملی کسب و کار؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (خرداد ۱۳۹۹)
۴۸. پول‌های محلی؛ ابزاری برای توانمندسازی و مقابله با رکود و نابرابری منطقه‌ای؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (خرداد ۱۳۹۹)
۴۹. برنامه دولت کانادا برای مقابله با تبعات بیماری کرونا (برنامه پاسخگویی اقتصادی کووید-۱۹ کانادا: حمایت از شهروندان و مشاغل) (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (بهار ۱۳۹۹)
۵۰. سیاست‌های اتخاذ شده در کشورهای مختلف برای مقابله با کرونا؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (بهار ۱۳۹۹)
۵۱. مداخله دولت‌های عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در بازار اجاره مسکن؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (خرداد ۱۳۹۹)
۵۲. جزئیات بسته کمک ۲ تریلیون دلاری سنای آمریکا برای مقابله با کرونا؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (بهار ۱۳۹۹)
۵۳. فقر و نابرابری در آموزش و پرورش ایران؛ بررسی شاخص‌ها، ریشه‌یابی و برخی راهکارها با تأکید بر مسئله تعارض منافع؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهرماه ۱۳۹۹)

۵۴. چگونگی جایگزینی کارت‌های اعتباری خرید مواد غذایی با توزیع مستقیم برنج یارانه‌ای؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (تیرماه ۱۳۹۹)
۵۵. حمایت اجتماعی و مواجهه مشاغل با کووید-۱۹: یک بررسی بهنگام از اقدامات کشورها؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (تیرماه ۱۳۹۹)
۵۶. گزارش عملیاتی و پیش‌بینی برنامه‌های آتی معاونت رفاه اجتماعی (ویرایش اول)؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (تابستان ۱۳۹۹)
۵۷. برنامه اجرایی مدیریت حمله‌های سوداگرانه و تأمین مالی بنگاه‌ها؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (شهریور ۱۳۹۷)
۵۸. برنامه جبران خسارت شهروندان پاکستان (مطالعه موردی، ژوئن ۲۰۱۳)؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (تابستان ۱۳۹۹)
۵۹. مطالعه ساختار حکمرانی داده محور باهدف بهبود بهره‌برداری از پایگاه رفاه ایرانیان؛ (شهریور ۱۳۹۹)
۶۰. بررسی تجربیات جهانی در زمینه استفاده از کارت اعتباری به‌عنوان ابزار حمایتی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (شهریور ۱۳۹۹)
۶۱. الگوی نوین سازمان و مدیریت حوزه رفاه و تأمین اجتماعی کشور؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (شهریور ۱۳۹۹)
۶۲. تشریح فرآیند اجرایی کردن بند ح تبصره ۱۷ قانون بودجه توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (شهریور ۱۳۹۹)
۶۳. ارائه کالا برگ و راه‌اندازی سیستم فاکتور الکترونیک در حمایت از خانوار در شرایط کرونا؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (مرداد ۱۳۹۹)
۶۴. مقایسه دسترسی خانوارها به اعتبار و تسهیلات بانکی در ایران و جهان؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهر ۱۳۹۹)
۶۵. فقر و نابرابری در دسترسی به زیرساخت‌ها: مسکن؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهر ۱۳۹۹)
۶۶. نظام حمایت و رفاه اجتماعی در ایران؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهر ۱۳۹۹)
۶۷. بررسی نظام حمایت اجتماعی کشورها: ۱. پیاده‌سازی نظام‌های رفاهی مبتنی بر استطاعت در ایالات متحده آمریکا؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهر ۱۳۹۹)
۶۸. مقایسه تطبیقی ایران با کشورهای منطقه براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در سال ۲۰۱۹: ۱. شاخص‌های اقتصادی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهر ۱۳۹۹)
۶۹. عملکرد دفتر مطالعات رفاه اجتماعی: شش ماهه اول سال ۱۳۹۹؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهر ۱۳۹۹)
۷۰. تغییرات رفاه و مصرف ایرانیان و سیاست پیشنهادی حمایت غذایی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (مهر ۱۳۹۹)
۷۱. مقایسه تطبیقی ایران با کشورهای منطقه براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در سال ۲۰۱۹: ۲. شاخص‌های بهداشتی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (آذر ۱۳۹۹)
۷۲. مقایسه تطبیقی ایران با کشورهای منطقه براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در سال ۲۰۱۹: ۳. شاخص‌های آموزشی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (آذر ۱۳۹۹)
۷۳. نظام طبقه‌بندی خدمات رفاه اجتماعی براساس استانداردهای اتحادیه اروپا؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (آذر ۱۳۹۹)
۷۴. مجموعه گزارش‌های فقر، نابرابری و تعارض منافع؛ ۴. بررسی وضعیت فقر انرژی، ناکارایی در تخصیص منابع و عوامل اثرگذار؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (دی ۱۳۹۹)

۷۵. مقایسه تطبیقی ایران با کشورهای منطقه بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در سال ۲۰۱۹؛ ۴. شاخص‌های رفاهی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (دی ۱۳۹۹)
۷۶. مجموعه گزارش‌های فقر، نابرابری و تعارض منافع؛ ۵. فقر و نابرابری در حوزه بهداشت و سلامت؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (بهمن ۱۳۹۹)
۷۷. مجموعه گزارش‌های اسناد پشتیبان تدوین برنامه هفتم توسعه، حوزه رفاه اجتماعی؛ ۲. تصویر ابعاد فقر در ایران؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (زمستان ۱۳۹۹)
۷۸. تصویر مصرف و رفاه خانوارهای ایرانی و سیاست‌های حمایتی پیشنهادی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (زمستان ۱۳۹۹)
۷۹. بررسی نظام حمایت اجتماعی کشورها؛ ۲. طراحی و پیاده‌سازی سامانه‌های هدف‌گیری خانوار؛ درس‌هایی از آمریکای لاتین و ایالات متحده؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (اسفند ۱۳۹۸)
۸۰. الگوی نوین سازمان و مدیریت حوزه رفاه و تأمین اجتماعی کشور؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (زمستان ۱۳۹۹)
۸۱. اقدامات معاونت رفاه اجتماعی در مواجهه با کرونا؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (فروردین ۱۴۰۰)
۸۲. چه تعداد از کودکان و نوجوانان در خانه به اینترنت دسترسی دارند؟؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (فروردین ۱۴۰۰)
۸۳. مجموعه گزارش‌های فقر چند بعدی؛ ۱. فقر مسکن؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (تابستان ۱۴۰۰)
۸۴. خلاصه گزارشات تخصصی منتشرشده توسط معاونت رفاه اجتماعی در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۲؛ (معاونت رفاه اجتماعی) (تابستان ۱۴۰۰)

